
زیر نظر
گروه معارف و علوم اسلامی
وابسته به مدرسه امیرالمؤمنین (ع)
اسلام
و
کمک های مردمی


بسم الله الرحمن الرحیم

اسلام و کمک‌های مردمی

نویسنده:

ج فرازمند

ناشر چاپی:

مدرسه الامام علی بن ابی طالب (ع)

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

اسلام و کمک‌های مردمی

مشخصات کتاب

سرشناسه : فرازمند، ح عنوان و نام پدیدآور : اسلام و کمک‌های مردمی با اقتباس از تفسیر نمونه ح فرازمند؛ زیرنظر گروه معارف و علوم اسلامی وابسته به مدرسه امیرالمومنین (علیه‌السلام مشخصات نشر : قم : نسل جوان ، ۱۳۸۲. مشخصات ظاهری : ص ۱۵۱ وضعیت فهرست نویسی : فهرستنویسی قبلی یادداشت : کتابنامه به‌صورت زیرنویس موضوع : انفاق -- جنبه‌های قرآنی رده بندی کنگره : BP۱۰۴/الف۸۲۵ف۴ ۱۳۸۲ رده بندی دیویی : ۶۹۷/۱۵۹ شماره کتابشناسی ملی : م۸۴-۹۱۸۹

درخشان‌ترین اخلاق انسانی

دورنمای بحث به نام خداوند جان آفرین کمکهای مردمی در فرهنگ اسلام از اهمّیّت بسیار بالائی برخوردار است. نه تنها کمک به نیازمندان، بلکه هرگونه کمک به کارهای خیر و فعّالیّتهای مثبت اجتماعی اعم از ساختن مدرسه، درمانگاه، جادّه، مراکز فرهنگی، مساجد و مانند آنها، به عنوان «انفاق فی سبیل اللّه» در این مفهوم درج است، همه از بهترین اعمال محسوب می‌شود، و سرچشمه انواع برکات و آثار معنوی و مادّی در دنیا و آخرت است. کافی است که به آیه و روایات زیر که نمونه‌ای از بسیار است توجّه کنید: اسلام و کمک‌های مردمی، ص: ۸ ۱- در قرآن کریم آمده است: لَنْ تَنَالُواْ ا لْبِرَّ حَتَّی تُنفِقُواْ مِمَّا تُحِبُّونَ «۱» هرگز به حقیقت نیکوکاری نمی‌رسید مگر این که از آنچه دوست دارید در راه خدا انفاق کنید. ۲- پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: مِنْ افْضَلِ الأَعْمالِ ابرادُ الاکَبْادِ الحارَّةِ وَاشْباعُ البُطُونِ الجائِعَةِ فَوَالَّذِی نَفْسُ مُحَمَّدٍ بِیَدِهِ مَا آمَنَ بِی عَبْدٌ یَبِیتُ شَبْعانَ وَاخُوهُ أوْ جارُهُ المُسْلِم یَبِیتُ جائِعاً «۲» از بهترین اعمال، خنک کردن جگرهای سوزان (سیراب کردن تشنگان) و سیر کردن شکمهای گرسنه است. سوگند به کسی که جان محمّد در دست قدرت اوست، کسی که سیر بخوابد و همسایه یا برادر مسلمانش گرسنه باشد به من ایمان نیاورده است! ۳- از همان حضرت صلی الله علیه و آله نقل شده است که فرمود: خَیْرُ النَّاسِ أَنْفَعُهُمْ لِلنَّاسِ «۳» بهترین مردم کسی است که از همه به حال مردم مفیدتر باشد. ۴- امیرمؤمنان علی علیه السلام می‌فرماید: سُوسُوا ایمانَکُم بِالصَّدَقَةِ وَحَصِّنوا امْوالَکُم بِالزَّکاةِ وَادْفَعُوا اسلام و کمک‌های مردمی، ص: ۹ امْواجَ البَلاءِ بِالدُّعاءِ «۱» ایمانتان را با صدقه حفظ کنید و اموالتان را با زکاه نگه‌دارید و امواج بلا را با دعا از خود دور کنید. ۵- همان بزرگوار در یکی دیگر از کلمات قصارش می‌فرماید: اَلصَّدَقَةُ دَواءٌ مُنْجِحٌ «۲» صدقه داروی شفابخشی است! *** اسلام این کمکها را به اشکال مختلف توصیه کرده است؛ هدیه، صدقه، صله رحم، اطعام، ولیمه، وقف، وصیّت به ثلث، زکات واجب و مستحب و غیر اینها. این فرهنگ پر بار اسلامی سبب شده است که در جوامع اسلامی کمکهای مردمی به صورت گسترده‌ای انجام گیرد، و بسیاری از نیازمندان زیرپوشش این کمکها قرار گیرند؛ گاه به نام «جشن نیکوکاری» گاه «هفته اکرام» گاه تحت عنوان «اعیاد مذهبی» و «ایّام سوگواری» گاه به «عنوان افطاری»، «ستاد رسیدگی به امور دیه و کمک به زندانیان نیازمند»، «کمک به ازدواج جوانان» و عناوین دیگر. اضافه بر این، هزاران مدرسه و درمانگاه و بیمارستان و مسجد و کتابخانه و خانه‌های ارزان قیمت نیز با همین انگیزه ساخته شده است. اسلام و کمک‌های مردمی، ص: ۱۰ به یقین، هرگاه این روحیّه حفظ و بالنده و گسترده شود، محرومیّت‌زدایی از جامعه امکان پذیر خواهد بود و جامعه ما مجموعه‌ای می‌شود از بهترین انسانها و سرشارترین عاطفه‌ها. مسأله مهم این جاست که کمکهای مردمی تنها وسیله فقرزدائی یا مبارزه با فاصله طبقاتی نیست، بلکه وسیله بسیار مؤثّری برای پرورش و ارتقاء روحی و تربیت شخص کمک کننده است؛ کسی که قسمتی از بهترین اموال خودرا جدا می‌کند و برای کمک به شخص آبرومندی اختصاص می‌دهد یا یک مرکز خیریّه اجتماعی می‌سازد، قبل از هر چیز روح خودرا پاک و قلب خودرا صفا می‌بخشد. قرآن مجید تعبیر جالبی دارد، به پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله دستور می‌دهد و

می گوید: خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا «۱» از اموال آنها صدقه‌ای بگیر که به وسیله آن آنها را پاك و پاكیزه كنی و آنها را رشد و نمو دهی. آری، كمكهای مردمی روح انسان را می‌رویاند، رشد و نمو می‌دهد، و از بخل و حسد و دنیاپرستی و حرص و آز و انحصارطلبی و خودخواهی پاك می كند و او را روز به روز به خدا نزدیكتر می‌سازد. بعلاوه، اموال او بركت پیدا می كند و درهای روزی به روی او گشوده می‌شود، تا آن جا كه امیرمؤمنان علی علیه السلام می‌فرماید: اسلام و کمک‌های مردمی، ص: ۱۱ إذا مُلِقْتُم فَتاجِرُوا اللَّهَ بِالصَّدقَةِ «۱» هنگامی كه زندگی بر شما تنگ شد و آثار فقر نمایان گشت از طریق صدقه دادن با خدا معامله كنید و زندگی خودرا رونق بخشید. *** در این راستا یكی از بانوان فاضله، خواهر «ج- فرازمند» آیات انفاق را در قرآن مجید كه بسیار پر بار و پر معنی است به طرز جالبی گردآوری و تنظیم و تبویب كرده‌اند، آیاتی كه هم از اهمّیّت انفاق سخن می گوید، و هم از آداب و شرایط كمال و موانع قبولی آن، و هم اولویّتهای موارد انفاق. در تفسیر آیات از «تفسیر نمونه» كمك فراوان گرفته، سپس چندین حدیث از احادیث ناب در هر باب آن افزوده، و مجموعه‌ای شیرین و آموزنده فراهم كرده است. امیدواریم نفع آن عام و وسیله‌ای برای اقبال هر چه بیشتر مردم به این مسأله مهمّ اجتماعی كه از اصول تعلیمات اسلام است، گردد. گروه معارف به سهم خود از این خدمت علمی و دینی تشكّر می كند و امیدوار است این كتاب روزی یك كتاب درسی برای قشرهای مردم گردد. تیرماه ۱۳۸۲- جمادی الاولی ۱۴۲۴ گروه معارف اسلام و کمک‌های مردمی، ص: ۱۳

بخش اوّل اهمّیّت انفاق در اسلام

۱ انفاق دانه‌ای است پر بار!

اشاره

قرآن مجید در یك تعبیر بسیار جالب می‌فرماید: مَثَلُ الَّذِينَ يُنفِقُونَ أَمْوَا لَهُمْ فِى سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلَ فِى كُلِّ سُنبُلَةٍ مِّاْ ئَةُ حَبَّةٍ وَاللَّهُ يُضعِفُ لِمَن يَشَآءُ وَاللَّهُ واَ سِعٌ عَلِيمٌ كسانی كه اموال خود را در راه خدا انفاق می كنند همانند بذری هستند كه هفت خوشه برویاند كه در هر خوشه یكصد دانه باشد! و خداوند آن را برای هر كس بخواهد (و شایستگی داشته باشد) دو یا چند برابر می كند و خدا (از نظر قدرت و رحمت) وسیع و (به همه چیز) داناست. «سوره بقره، آیه ۲۶۱» توضیح انفاق و حلّ مشكلات اجتماعی از مشكلات بزرگ اجتماعی كه همواره انسان گرفتار آن بوده و هم‌اكنون با تمام پیشرفتهای صنعتی و مادّی كه نصیب او شده نیز با آن اسلام و کمک‌های مردمی، ص: ۱۶ دست به گریبان است «مشكل فاصله طبقاتی» است؛ فقر و بیچارگی و تهیدستی در یكطرف و تراكم ثروت در طرف دیگر. عدّه‌ای آن قدر ثروت دارند كه حساب اموالشان را نمی‌توانند بكنند، وعدّه دیگری از فقر و تهیدستی رنج می‌برند، به طوری كه تهیّه لوازم ضروری زندگی از قبیل غذا و مسكن و لباس ساده برای آنان خیلی مشكل است. بدیهی است جامعه‌ای كه پایه‌های آن، قسمتی بر غنا و ثروت و بخش مهمّ دیگر آن بر فقر و گرسنگی بنا شود قابل دوام نیست و هرگز به سعادت و آرامش نخواهد رسید. در چنین جامعه‌ای دلهره و اضطراب و نگرانی و بدبینی، و از همه مهمتر، دشمنی و عداوت اجتناب‌ناپذیر خواهد بود. گرچه در گذشته این اختلاف در بین جوامع انسانی وجود داشت، ولی در زمان ما این فاصله طبقاتی به مراتب بیشتر و خطرناكتر شده است. زیرا از یك سو درهای كمكهای انسانی، و تعاون به معنی حقیقی، به روی مردم بسته شده، و درهای رباخواری كه یكی از موجبات بزرگ فاصله طبقاتی است با شكلهای مختلف باز است. پیدایش كمونیسم و مانند آن، و خونریزی‌ها و جنگهای كوچك و بزرگ و وحشتناك كه در قرن اخیر اتفاق افتاد و هنوز هم در گوشه و كنار جهان ادامه دارد عكس‌العمل همین محرومیّت اكثریّت جوامع انسانی است، با این كه دانشمندان به فكر چاره و حلّ این مشكل بزرگ اجتماعی بوده‌اند و هر كدام راهی را انتخاب كرده‌اند- كمونیسم از راه الغای مالكیّت اسلام و کمک‌های مردمی، ص: ۱۷ فردی، و

سرمایه‌داری از راه گرفتن مالیاتهای سنگین و تشکیل مؤسسات عام‌المنفعه (که به تشریفات بیشتر شبیه است تا به حلّ مشکل نیازمندان) به گمان خود به مبارزه با آن برخاسته‌اند- ولی حقیقت این است که هیچ کدام نتوانسته‌اند گام مؤثّری در این راه بردارند، زیرا حلّ این مشکل با روح مادّیگری که بر جهان حکومت می‌کند ممکن نیست؛ کمک بلا عوض در تفکر مادّی جایی ندارد! با دقّت در آیات قرآن مجید آشکار می‌شود که یکی از اهداف مهمّ اسلام این است که این اختلافات غیر عادلانه‌ای که در اثر بیعدالتیهای اجتماعی در میان طبقات غنی و ضعیف پیدا می‌شود از بین برود و سطح زندگی کسانی که نمی‌توانند نیازمندیهای زندگیشان را بدون کمک دیگران رفع کنند بالا بیاید، و حدّاقل لوازم زندگی را داشته باشند. اسلام برای رسیدن به این هدف برنامه وسیعی در نظر گرفته است: تحریم رباخواری بطور مطلق، و وجوب پرداخت مالیاتهای اسلامی از قبیل زکات و خمس و مانند آنها، تشویق به انفاق، وقف، و قرض الحسنه و کمکهای مختلف مالی قسمتی از این برنامه را تشکیل می‌دهد، و از همه مهمتر زنده کردن روح ایمان و برادری و مساوات است.

یک مثال زیبا

مَثَلُ الَّذِینَ یُنفِقُونَ أَمْوَا لَهُمْ فِی سَبِیلِ اللَّهِ کَمَثَلِ حَبَّةٍ ... بعضی از مفسّران گفته‌اند منظور از انفاق در این آیه انفاق در جهاد است، چرا که در چند آیه قبل سخنی از جهاد به میان آمده است؛ ولی واضح اسلام و کمک‌های مردمی، ص: ۱۸ است که این مناسبت موجب تخصیص نمی‌شود؛ زیرا «سبیل‌اللَّه» که به طور مطلق ذکر شده شامل هر مصرف نیکی می‌گردد؛ به علاوه، به گواهی آیات بعد از آن بحث دیگری غیر از بحث جهاد مطرح است زیرا بحث «انفاق» را به طور مستقل دنبال می‌کند و در روایات هم طبق نقل تفسیر مجمع البیان به عمومیّت معنی آیه اشاره شده است. به هر حال، در این آیه کسانی که در راه خدا انفاق می‌کنند به دانه پر برکتی که در زمین مستعدّی افشانده شود تشبیه شده‌اند، در حالی که این اشخاص نباید به دانه تشبیه شوند بلکه انفاق آنها باید تشبیه به دانه شود، و یا خود آنها را به کشاورزی که دانه می‌افشاند تشبیه کنند، و لذا مفسران گفته‌اند آیه دارای کلمه محذوفی است (یا کلمه «صدقات» قبل از «الذین» یا کلمه «باذر» قبل از «حبّه» در تقدیر است). ولی هیچ گونه دلیلی بر حذف و تقدیر در آیه نیست بلکه در این تشبیه سرّی نهفته است، و تشبیه افراد انفاق‌کننده به دانه‌های پر برکت تشبیه جالب و عمیقی است. قرآن می‌خواهد بگوید عمل هر انسانی پرتوی از وجود او است، و هر قدر عمل توسعه پیدا کند وجود آن انسان در حقیقت توسعه یافته است. وبه عبارت روشن‌تر، قرآن عمل انسان را از وجود او جدا نمی‌داند و هر دو را اشکال مختلفی از یک حقیقت معرفی می‌کند؛ بنابراین، بدون هیچ‌گونه حذف و تقدیر آیه قابل تفسیر است و اشاره به یک حقیقت عقلی است؛ یعنی، این گونه افراد نیکوکار همچون بذرهای پر ثمری هستند که به هر طرف ریشه و شاخه می‌گسترانند و همه جا را زیر بال و پر خود می‌گیرند. اسلام و کمک‌های مردمی، ص: ۱۹ قرآن در جمله «انبتت سبع سنابل» این دانه پربرکت را چنین توصیف می‌کند: هفت خوشه از آن می‌روید که در هر خوشه یکصد دانه است و به این ترتیب (هفتصد برابر) از اصل خود پیشی می‌گیرد. آیا این یک تشبیه فرضی است، و چنان دانه‌ای که از آن هفتصد دانه برخیزد وجود خارجی ندارد؟ و یا منظور دانه‌هایی همچون دانه‌های (ارزن) است که این تعداد در آنها دیده می‌شود (چون در دانه گندم و مانند آن می‌گویند دیده نشده) ولی جالب توجّه این که چند سال قبل که سال پربارانی بود در مطبوعات این خبر انتشار یافت که در نواحی یکی از شهرستانهای جنوب در پاره‌ای از مزارع بوته‌های گندمی بسیار بلند و پرخوشه دیده شده که در یک بوته در حدود چهارهزار دانه گندم وجود داشت! و این خود می‌رساند که تشبیه قرآن یک تشبیه کاملًا واقعی است. سپس می‌گوید: «وَاللَّهُ یُضعِفُ لِمَن یَشَآءُ وَاللَّهُ وَا سِعٌ عَلِیمٌ؛ خدا آن را برای هر کس بخواهد مضاعف می‌کند.» کلمه «یضاعف» در اصل از ماده «ضعف» (بر وزن شعر) به معنی دو برابر یا چند برابر است. بنابراین، مفهوم جمله چنین است: خداوند برای هر کس بخواهد این برکت را دو یا چند برابر می‌گرداند. با توجّه به آنچه در بالا اشاره شد دانه‌هایی یافت

می‌شود که چند برابر «هفتصد دانه» محصول می‌دهد و بنابراین تشبیه مزبور یک تشبیه حقیقی است. اسلام و کمک‌های مردمی، ص: ۲۰ در جمله آخر آیه اشاره به وسعت قدرت پروردگار و آگاهی او از همه چیز شده تا انفاق کنندگان بدانند او هم از عمل و نیّات آنها آگاه است و هم قادر است همه‌گونه برکت به آنها بدهد. اسلام و کمک‌های مردمی، ص: ۲۱

۲ نماز و انفاق در کنار هم

در آیه ۳ سوره بقره می‌خوانیم: الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلوةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ (پرهیزکاران) آنها هستند که به غیب (آنچه از حس پوشیده و پنهان است) ایمان می‌آورند، و نماز را بر پا می‌دارند و از تمام نعمتها و مواهبی که به آنها روزی داده‌ایم انفاق می‌کنند. *** آری، مؤمنان علاوه بر ایمان و ارتباط با پروردگار از طریق نماز، رابطه نزدیک و مستمری با خلق خدا نیز دارند؛ و به همین دلیل، سومین ویژگی آنها را در آیه بالا- چنین بیان می‌کند: «و از تمام مواهبی که به آنها روزی داده‌ایم انفاق می‌کنند (وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ).» قابل توجّه اینکه، قرآن نمی‌گوید: من اموالهم يُنْفِقُون (از اموالشان انفاق می‌کنند) بلکه می‌گوید «ممّا رزقناهم» (از آنچه به آنها روزی دادیم) و به اسلام و کمک‌های مردمی، ص: ۲۲ این ترتیب مسأله «انفاق» را آنچنان تعمیم می‌دهد که تمام مواهب مادّی و معنوی را در بر می‌گیرد. بنابراین، مردم پرهیزگار آنها هستند که نه تنها از اموال خود، بلکه از علم و عقل و دانش و نیروهای جسمانی و مقام و موقعیّت اجتماعی خود، و خلاصه از تمام سرمایه‌های خویش به آنها که نیاز دارند می‌بخشند، بی‌آنکه انتظار پاداشی داشته باشند. نکته دیگر اینکه: انفاق یک قانون عمومی در جهان آفرینش و مخصوصاً در سازمان بدن هر موجود زنده است؛ قلب انسان تنها برای خود کار نمی‌کند بلکه از آنچه دارد به تمام سلولها انفاق می‌کند، مغز و ریه و سایر دستگاههای بدن انسان همه از نتیجه کار خود دائماً انفاق می‌کنند و اصولًا زندگی دسته جمعی بدون انفاق مفهومی ندارد. ارتباط با انسانها در حقیقت نتیجه ارتباط و پیوند با خدا است، انسانی که به خدا پیوسته و به حکم جمله «ممّا رزقناهم» همه روزیها و مواهب را از خدا می‌داند (نه از ناحیه خودش)، عطای خداوند بزرگی می‌داند که چند روزی این امانت را نزد او گذاشته، نه تنها از انفاق و بخشش در راه او ناراحت نمی‌شود، بلکه خوشحال است؛ چرا که مال خدا را به بندگان او داده، اما نتایج و برکات مادّی و معنوی‌اش را برای خود خریده است. این طرز تفکّر روح انسان را از بخل و حسد پاک می‌کند، و جهان (تنازع بقا) را به (دنیای تعاون) تبدیل می‌سازد؛ دنیایی که هر کس در آن خودرا مدیون می‌داند که از مواهبی که دارد در اختیار همه نیازمندان بگذارد، همچون آفتاب نور افشانی کند بی آنکه انتظار پاداشی داشته باشد. اسلام و کمک‌های مردمی، ص: ۲۳ جالب این‌که، در حدیثی از امام صادق علیه السلام می‌خوانیم که در تفسیر جمله «ممّا رزقناهم ینفقون» فرمود: «انّ معناه وممّا علّمناهم يبثّون» مفهوم آن این است از علوم و دانشهایی که به آنها تعلیم داده‌ایم نشر می‌دهند و به نیازمندان می‌آموزند. بدیهی است مفهوم این سخن آن نیست که انفاق مخصوص به علم است، بلکه چون غالباً نظرها در مسأله انفاق متوجّه انفاق مالی می‌شود، امام با ذکر این نوع انفاق معنوی می‌خواهد گستردگی مفهوم انفاق را روشن سازد. ضمناً از این‌جا بخوبی روشن می‌شود که انفاق در آیه مورد بحث خصوص زکات واجب، یا اعم از زکات واجب و مستحب نیست، بلکه معنی وسیعی دارد که هرگونه کمک بلا عوضی را در برمی‌گیرد. اسلام و کمک‌های مردمی، ص: ۲۵

۳ انفاق و عفو و فروبردن خشم، سه عامل مهمّ سعادت

در آیه ۱۳۴ سوره آل عمران می‌خوانیم: الَّذِينَ يُنْفِقُونَ فِي السَّرَّآءِ وَالضَّرَّآءِ وَالْكَاظِمِينَ الْغَيْظَ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ همانها که در وسعت و پریشانی انفاق می‌کنند، و خشم خودرا فرو می‌برند و از خطای مردم می‌گذرند، و خدا نیکوکاران را دوست دارد. توضیح از آن‌جا که در آیه قبل وعده بهشت جاویدان به پرهیزکاران داده شده، در این آیه پرهیزکاران را معرّفی می‌کند و

چند صفت از اوصاف والای انسانی برای آنها ذکر نموده است: ۱- آنها در همه حال انفاق می‌کنند چه موقعی که در راحتی و وسعتند و چه زمانی که در پریشانی و محرومیتند (الَّذِینَ یُنفقون فی السّرآء والضّرّآء) آنها با این عمل ثابت می‌کنند که روح کمک به دیگران و نیکوکاری در جان اسلام و کمک‌های مردمی، ص: ۲۶ آنها نفوذ کرده است و به همین دلیل تحت هر شرایطی اقدام به این کار می‌کنند. روشن است که انفاق در حال وسعت به تنهایی نشانه نفوذ کامل صفت عالی سخاوت در اعماق روح انسان نیست، امّا آنها که در همه حال اقدام به کمک و بخشش می‌کنند نشان می‌دهند که این صفت در آنها ریشه‌دار است. ممکن است گفته شود انسان در حال تنگدستی چگونه می‌تواند انفاق کند؟ پاسخ این سؤال روشن است؛ زیرا اولًا افراد تنگدست نیز به مقدار توانایی می‌توانند در راه کمک به دیگران انفاق کنند، و ثانیاً انفاق منحصر به مال و ثروت نیست بلکه هرگونه موهبت خدا دادی را شامل می‌شود خواه مال و ثروت باشد یا علم و دانش یا مواهب دیگر. و به این ترتیب، خداوند می‌خواهد روح گذشت و فداکاری و سخاوت را حتّی در نفوس مستمندان جای دهد تا از رذائل اخلاقی فراوانی که از (بخل) سرچشمه می‌گیرد برکنار بمانند. آنها که انفاق‌های کوچک را در راه خدا ناچیز می‌انگارند برای این است که هر یک از آنها را جداگانه مورد مطالعه قرار می‌دهند، وگرنه اگر همین کمکهای کوچک را در کنار هم قرار دهیم و مثلًا اهل یک مملکت اعم از فقیر و غنی هر کدام مبلغ ناچیزی برای کمک به مستمندان انفاق کنند و برای پیشبرد اهداف اجتماعی مصرف نمایند کارهای بزرگی بوسیله آن می‌توانند انجام دهند؛ علاوه بر این، اثر معنوی و اخلاقی انفاق بستگی به حجم انفاق و زیادی آن ندارد و در هر حال عاید انفاق کننده می‌شود. اسلام و کمک‌های مردمی، ص: ۲۷ جالب این که، در این‌جا نخستین صفت برجسته پرهیزکاران (انفاق) ذکر شده، زیرا این آیات نقطه مقابل صفاتی را که درباره رباخواران و استثمارگران در آیات قبل ذکر شد، بیان می‌کند؛ به‌علاوه، گذشت از مال و ثروت آنهم در حال خوشی و تنگدستی روشنترین نشانه مقام تقواست. سپس به اهمّیّت فروبردن خشم و عفو و گذشت اشاره کرده می‌فرماید: «والکاظمین الغیظ والعافین عن النّاس» و از آن‌جا که همه این امور در مفهوم نیکوکاری و احسان جمع است در پایان آیه می‌فرماید: «خدا نیکوکاران را دوست دارد (وَاللَّهُ یُحِبُّ الْمُحْسِنِینَ).» چه افتخاری از این بالاتر که خدا انسان را دوست دارد. اسلام و کمک‌های مردمی، ص: ۲۹

۴ آنها که اشک می‌ریختند چرا که توان انفاق نداشتند!

قرآن در آیات زیر از مؤمنان پاکبازی سخن می‌گوید که به خاطر عدم توانایی بر انفاق در راه خدا (برای جبهه و جهاد) چشمانشان پر اشک بود، خداوند به آنها دلداری می‌دهد، و دستوری که جانشین انفاق است به آنها می‌دهد، بشنوید: لَیْسَ عَلَی الضُّعَفَاءِ وَلَا عَلَی الْمَرْضَی وَلَا عَلَی الَّذِینَ لَا یَجِدُونَ مَا یُنْفِقُونَ حَرَجٌ إذا نَصَحُوا لِلَّهِ وَرَسُولِهِ عَلَی الْمُحْسِنِینَ مِن سَبِیلٍ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَّحِیمٌ وَلَا عَلَی الَّذِینَ إِذَا مَآ أَتَوْکَ لِتَحْمِلَهُمْ قُلْتَ لَاأَجِدُ مَآ أَحْمِلُکُمْ عَلَیْهِ تَوَلَّواْ وَّأَعْیُنُهُمْ تَفِیضُ مِنَ الدَّمْعِ حَزَنًا أَلَّا یَجِدُواْ مَایُنفِقُونَ بر ضعیفان و بیماران و آنها که وسیله‌ای برای انفاق (در راه جهاد) ندارند ایرادی نیست (که در میدان مبارزه شرکت نکنند) هر گاه برای خدا و رسولش خیرخواهی کنند (و از آنچه در توان دارند مضایقه ننمایند. چه اسلام و کمک‌های مردمی، ص: ۳۰ این که) بر نیکوکاران راه مؤاخذه نیست، و خداوند آمرزنده و مهربان است. و (نیز) ایرادی نیست بر آنها که وقتی نزد تو آمدند که آنها را بر مرکبی (برای میدان جهاد) سوار کنی گفتی مرکبی که شما را بر آن سوار کنم ندارم (از نزد تو) بازگشتند در حالی که چشمانشان اشکبار بود، چرا که چیزی که در راه خدا انفاق کنند نداشتند. «سوره توبه، آیات ۹۱ و ۹۲» توضیح در شأن نزول آیه نخست چنین آمده است که یکی از یاران با اخلاص پیامبر صلی الله علیه و آله عرض کرد: ای پیامبر خدا! من پیرمردی نابینا و ناتوانم، حتّی کسی که دست مرا بگیرد و به میدان جهاد بیاورد، ندارم؛ آیا اگر در جهاد شرکت نکنم معذورم؟ پیامبر صلی الله علیه و آله سکوت کرد، سپس آیه نخست نازل شد و به اینگونه افراد اجازه داد. از این شأن نزول چنین استفاده می‌شود که حتّی نابینانان به خود اجازه

نمی‌دادند که بدون اطلاع پیامبر صلی الله علیه و آله از شرکت در جهاد سرباز زنند، و به این احتمال که شاید وجودشان با همین حالت برای تشویق مجاهدان و یا حدّ اقل سیاهی لشکر، مفید واقع شود از پیامبر صلی الله علیه و آله کسب تکلیف می‌کردند. در مورد آیه دوم نیز در روایات می‌خوانیم که هفت نفر از فقرای انصار خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله رسیدند و تقاضا کردند وسیله‌ای برای شرکت در جهاد در اختیارشان گذارده شود، امّا چون پیامبر صلی الله علیه و آله وسیله‌ای در اختیار نداشت، جواب منفی به آنها داد، آنها با چشمهای پر از اشک از خدمتش خارج شدند و بعداً به نام «بکّائون» مشهور گشتند. اسلام و کمک‌های مردمی، ص: ۳۱

۵ پاداش بزرگ انفاق

ءَامِنُواْ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَأَنْفِقُوا مِمَّا جَعَلَكُم مُّسْتَخْلَفِينَ فِيهِ فَالَّذِينَ ءَامَنُواْ مِنكُمْ وَ أَنْفَقُواْ لَهُمْ أَجْرٌ كَبِيرٌ به خدا و رسولش ایمان بیاورید و از آنچه شما را نماینده (خود) در آن قرار داده انفاق کنید (زیرا) کسانی که از شما ایمان بیاورند و انفاق کنند اجر بزرگی دارند. «سوره حدید، آیه ۷» توضیح ایمان و انفاق دو سرمایه بزرگ آیه بالا- همگان را دعوت به «ایمان» و «انفاق» می‌کند. نخست می‌فرماید: به خداوند و رسولش ایمان بیاورید (ءَامِنُواْ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ). این دعوت یک دعوت عام است که شامل همه انسانها می‌شود؛ مؤمنان را به ایمانی کاملتر و راسختر، و غیر مؤمنان را به اصل ایمان دعوت می‌کند، اسلام و کمک‌های مردمی، ص: ۳۲ دعوتی که توأم با دلیل است و دلائلش در آیات توحیدی پیش از آن آمده است. سپس به یکی از آثار مهمّ ایمان که «انفاق فی سبیل اللَّه» است دعوت کرده می‌گوید: از آنچه خداوند شما را در آن «جانشین خود» ساخته انفاق کنید (وَأَنفِقُوا مِمَّا جَعَلَكُم مُّسْتَخْلَفِينَ فِيهِ). این دعوتی است به ایثار و فداکاری و گذشت از مواهبی که انسان در اختیار دارد، منتها این دعوت را مقرون به این نکته می‌کند که فراموش نکنید «در حقیقت مالک اصلی خداست» و این اموال و سرمایه‌ها چند روزی به عنوان امانت نزد شما سپرده شده همان‌گونه که قبلًا در اختیار دیگران بوده است و در آینده نیز به دست گروهی دیگر خواهد افتاد. به راستی چنین است؛ زیرا در آیات دیگر قرآن خوانده‌ایم که مالک حقیقی کلّ جهان خدا است. ایمان به این واقعیت بیانگر همین است که ما «امانتدار» او هستیم، چگونه ممکن است امانتدار فرمان صاحب امانت را نادیده بگیرد! توجّه به این نکته به انسان روح سخاوت و ایثار می‌بخشد، و دست و دل او را در انفاق باز می‌کند. تعبیر به «مستخلفین» (جانشینان) ممکن است اشاره به نمایندگی انسان از سوی خداوند در زمین و مواهب آن باشد، و یا جانشینی از اقوام پیشین و یا هر دو. و تعبیر به «ممّا» (از چیزهایی که ...) تعبیر عامی است که نه تنها اموال بلکه تمام سرمایه‌ها و مواهب الهی را شامل می‌شود و همان‌گونه که در گذشته نیز گفته‌ایم انفاق مفهوم وسیعی دارد که منحصر به مال نیست، بلکه اسلام و کمک‌های مردمی، ص: ۳۳ علم و هدایت و آبروی اجتماعی و سرمایه‌های معنوی و مادّی دیگر را نیز شامل می‌شود. سپس برای تشویق بیشتر می‌افزاید: «آنها که از شما ایمان بیاورند و انفاق کنند اجر بزرگی دارند» (فَالَّذِينَ ءَامَنُواْ مِنْكُمْ وَأَنْفَقُواْ لَهُمْ أَجْرٌ كَبِيرٌ). توصیف اجر به بزرگی، اشاره‌ای به عظمت الطاف و مواهب الهی، و ابدیّت و خلوص و دوام آن است، نه تنها در آخرت که در دنیا نیز قسمتی از این اجر کبیر عاید آنها می‌شود. سپس به استدلالی برای مسأله انفاق پرداخته، می‌فرماید: چرا در راه خدا انفاق نکنید در حالی که میراث آسمانها و زمین از آن او است!»؟ (وما لكم ألّا تنفقوا فی سبیل‌اللَّه وللَّه میراث السّموات والأرض). یعنی سرانجام همه شما چشم از جهان و مواهبش فرومی‌بندید و همه را می‌گذارید و می‌روید، پس اکنون که در اختیار شما است چرا بهره خودرا نمی‌گیرید! «میراث» در اصل چنانکه راغب در مفردات می‌گوید به معنی مالی است که بدون قرارداد به انسان منتقل می‌شود، و آنچه از میّت به بازماندگان منتقل می‌شود یکی از مصداقهای آن است که بر اثر کثرت استعمال هنگام ذکر این کلمه همین معنی تداعی می‌شود. تعبیر «للَّه میراث السّموات والأرض» از این نظر است که نه تنها اموال و ثروتهای روی زمین بلکه آنچه در تمام آسمان و زمین وجود دارد به ذات پاك او برمی‌گردد؛ همه خلایق می‌میرند

و خداونـد وارث همـه آنهـاست. *** اسـلام و کمک‌هـای مردمی، ص: ۳۴ از سـوی دیگر، از آنجـا که انفـاق در شـرایط و احـوال مختلف ارزشهای متفاوتی دارد در جمله بعد می‌افزاید: آنهایی که قبل از «پیروزی» انفاق کردند و جهاد نمودند با کسانی که بعد از فتـح این کار را انجام دادند مساوی نیسـتند» (لا یسـتوی منکم من انفق من قبل الفتح وقاتل). در این‌که منظور از این «فتح» کدام فتح است، میان مفسّران گفتگو است، بعضی آنرا اشاره به «فتح مکّه» در سال هشتم هجرت می‌دانند، و بعضی آنرا اشاره به «فتح حدیبیّه» در سال شـشم می‌داننـد. البتّه نظر به این‌که کلمه «فتح» در سوره انّا فتحنا لک فتحاً مبیناً، به فتح حدیبیّه تفسـیر شده است، مناسب این است که در اینجا نیز فتـح حدیبیّه باشد، ولی تعبیر به «قاتل» (پیکار کردند) مناسب با فتح مکّه است زیرا در حدیبیّه پیکاری رخ نداد امّا در فتـح مکّه پیکـاری سـریع و کوتـاه که با مقاومت چنـدانی روبه‌رو نشـد صورت گرفت. این احتمال نیز وجود دارد که مراد از «الفتـح» در این آیه، جنس فتح و هرگونه پیروزی مسـلمین در جنگهای اسـلامی باشد؛ یعنی، آنها که در مواقع بحرانی از بذل مال و جان ابا داشـتند از آنها که بعد از فرو نشسـتن طوفانها به یاری اسلام شتافتند، برترند؛ و این تفسیر بسیار مناسب است. لذا برای تأکید بیشتر می‌افزاید: «این گروه مقامشان برتر و بالاتر از کسانی است که بعد از فتح انفاق کردند و جهاد نمودند (اولئک أعظم درجهٔ من الّذین انفقوا من بعـد وقاتلوا). این نکته نیز لازم به یادآوری است که بعضـی از مفسّـِران اصـرار دارند که انفاق برتر از جهاد است و شاید ذکر انفاق را در آیه فوق قبل از جهاد گواه اسلام و کمک‌های مردمی، ص: ۳۵ بر این مطلب بدانند، در حالی که روشن است مقدّم داشتن انفاق مالی به خاطر این است که وسائل و مقدّمات و ابزار جنگ به وسیله آن فراهم می‌گردد، و گر نه بدون شک بذل جان و آمادگی برای شهادت از انفاق مالی برتر و بالاتر است. به هر حال، از آنجا که هر دو گروه (چه آنها که قبل از پیروزی انفاق کردنـد و چه آنها که بعـد از پیروزی انفاق کردند) با تفاوت درجه مشـمول عنایات حقّند، در پایان آیه می‌افزاید: «خداوند به هر دو گروه وعـده نیک داده است (وکلّاً وعـداللَّه الحسـنی .» این یک قـدردانی برای عموم کسانی است که در این مسـیر گام برداشـتند و (حسـنی در این‌جـا مفهوم وسـیعی دارد که هر گونه ثواب و پاداش نیک دنیا و آخرت را در برمی‌گیرد. و از آنجا که ارزش عمل به خلوص آن است، در پایان آیه می‌افزایـد: «خداوند به آنچه انجام می‌دهید آگاه است (واللَّه بما تعملون خبیر).» یعنی هم از کمّیّت و کیفیّت اعمـال شـما بـا خبراست و هم از نیّات و میزان خلوص شـما. *** و در آخرین آیه مورد بحث باز هم برای تشویق نسبت به «انفاق فی سبیل اللَّه» از تعبیر جالب دیگر استفاده کرده می‌گوید: «کیست که به خدا قرض نیکویی دهد و از اموالی که به او بخشیده است انفاق نمایـد، تا آن را برای او چنـدین برابر کند و برای او پاداش فراوان و پرارزشـی است (من ذا الّذی یقرض اللَّه قرضاً حسناً فیضاعفه له وله أجر کریم)!» اسلام و کمک‌های مردمی، ص: ۳۶ راستی تعبیر عجیبی است، خدایی که بخشنده تمام نعمتها است، و همه ذرّات وجود مـا لحظه به لحظه از دریـای بی‌پایـان فیض او بهره می‌گیرد و مملوک او است، مـا را صاحبـان اموال شـمرده، و در مقام گرفتن وام از ما برآمـده، و بر خلاف وامهای معمولی که عین همان مقـدار باز پس می‌دهنـد، او چندین برابر، گاه صدها و گاه هزاران برابر، بر آن اضافه می‌کنـد و علاوه بر اینها وعـده «اجر کریم» که پاداشـی است بس عظیم که جز خـدا نمی‌دانـد نیز می‌دهد. نکته انگیزه‌های انفاق در آیات گذشته برای تشویق به انفاق- اعم از کمک به موضوع جهاد یا انفاقهای دیگر به نیازمندان- تعبیرات مختلفی دیـده می‌شـد که هر یـک می‌توانـد عـاملی برای حرکت به سوی این هـدف باشـد. در یک آیه اشاره به مسأله اسـتخلاف و جانشینی مردم از یکدیگر، یا از خداوند در این ثروتها می‌کند و مالکیّت حقیقی را مخصوص خدا می‌شمرد، و همه را نماینده او در این اموال؛ این بینش می‌توانـد دست و دل انسـان را در انفـاق بـاز کنـد و عاملی برای حرکت در این زمینه باشـد. در آیه دیگر تعبیر دیگری آمـده کـه از ناپایـداری امـوال و سـرمایه‌ها و بازمانـدن آن بعـد از همه انسانهـا حکـایت دارد، و آن تعـبیر به «میراث» اسـت می‌گویـد، میراث آسـمانها و زمیـن از آن خـدا اسـت! و در آیـه دیگر، تعبیری اسـت کـه از همـه حسّـِاستر اسـت؛ خـدا را اسـلام و کمک‌های مردمی، ص: ۳۷ وام‌گیرنده، و انسانها را وام‌دهنده می‌شمرد، وامی که مسأله تحریم ربا در آن راه ندارد و چندین برابر تا هزاران برابر در مقابـل آن پرداخته می‌شود- اضافه بر پاداش عظیمی که در هیـچ انـدیشه‌ای نمی‌گنجـد! اینها همه برای این است که

بینشـهای انحرافی و انگیزه‌های حرص و آز و حسـد و خودخواهی و ترس از فقر و طول امل را که مانع از انفاق است از میان ببرد، و جامعه‌ای بر اساس پیوندهای عاطفی و روح اجتماعی و تعاون عمیق بسازد. اسلام و کمک‌های مردمی، ص: ۳۹

۶ پس‌انداز جاویدان

اشاره

قُـلْ إِنَّ رَبّی یَبْسُـطُ الرّزْقَ لِمَن یَّشَآءُ مِنْ عِبَادِهِ وَیَقْـدِرُ لَهُ وَمَآ أَنفَقْتُم مّن شَـیْءٍ فَهُوَ یُخْلِفُهُ وَهُوَ خَیْرُ الرَّا زِقِینَ بگو: پروردگارم روزی را برای هر کس بخواهد توسعه می‌دهد و برای هر کس بخواهد تنگ (و محدود) می‌سازد، و هر چیزی را (در راه او) انفاق کنید جای آن را پر می‌کند و او بهترین روزی دهندگان است. «سوره سبأ، آیه ۳۹» توضیح در این آیات به پاسخ گفتار آنها که اموال و اولاد خودرا دلیل بر قرب خویش در درگاه خداونـد می‌پنداشـتند باز می‌گردد، و به عنوان تأکیـد می‌گویـد: «بگو پروردگار من روزی را برای هر کس از بنـدگانش بخواهـد گسترده یـا محـدود می‌کنـد (قُـلْ إِنَّ رَبّی یَبْسُـطُ الرّزْقَ لِمَن یَّشَآءُ مِنْ عِبَادِهِ وَیَقْـدِرُ لَهُ).» سـپس می‌افزایـد: «آنچه را در راه خـدا انفاق کنیـد خداوند جای آن را پر اسـلام و کمک‌های مردمی، ص: ۴۰ می‌کنـد و او بهترین روزی دهندگان است (وَمَآ أَنفَقْتُم مّن شَیْءٍ فَهُوَ یُخْلِفُهُ وَهُوَ خَیْرُ الرَّا زِقِینَ).» گر چه محتوای این آیه تأکید بر مطلب گذشته است ولی از دو جهت تازگی دارد: نخست این‌که، آیه گذشته که مفهومش همین مفهوم بود بیشتر ناظر به اموال و اولاد کفّار بود در حالی که تعبیر به «عبـاد» (بنـدگان) در آیه مورد بحث نشـان می‌دهـد که نـاظر به مؤمنـان است؛ یعنی، حتّی در مورد مؤمنان، گاه روزی را گسترده می‌کنـد- آن‌جـا که صـلاح مؤمن باشـد- و گـاه روزی را تنـگ و محـدود می‌سازد آن‌جا که مصـلحتش ایجاب کنـد، و به هر حال وسـعت و تنگی معیشت دلیل بر هیچ چیزی نمی‌تواند باشد. دیگر این که آیه قبل وسعت و تنگی معیشت را درباره دو گروه مختلف بیـان می‌کرد در حالی که آیه مورد بحث ممکن است اشاره به دو حالت مختلف از یک انسان باشـد که گاه روزیش گسترده و گاه تنگ و محـدود است. به علاوه آنچه در آغاز این آیه آمـده در حقیقت مقدّمه‌ای است برای آنچه در پایان آیه است و آن تشویق به انفاق در راه خـدا است. جمله «فهو یُخْلِفُهُ؛ او جایش را پر می‌کنـد» تعبیر جالبی است که نشان می‌دهد آنچه در راه خدا انفاق گردد در حقیقت یـک تجـارت پر سود است، چرا که خداونـد عوض آن را بر عهـده گرفته، ومی‌دانیم هنگامی که شـخص کریمی عوض چیزی را بر عهـده می‌گیرد رعایت برابری و مساوات نمی‌کند بلکه چند برابر و گاه صد چندان می‌کند. البتّه این وعده الهی منحصـر به آخرت و سـرای دیگر نیست- آن که در اسـلام و کمک‌های مردمی، ص: ۴۱ جای خود مسلّم است- در دنیا نیز با انواع برکات جای انفاق‌ها را به نحو احسن پر می‌کنـد. جمله «هو خیر الرّازقین؛ او بهترین روزی دهندگان است» معنای گسترده‌ای دارد و از ابعاد مختلف قابل دقّت است. او از همه روزی‌دهندگان بهتر است به خاطر این‌که می‌داند چه چیز ببخشد و چه اندازه روزی دهد که مایه فسـاد و تباهی نگردد، چرا که به همه چیز عالم است. او هر چه بخواهـد می‌توانـد عطا کنـد چرا که به هر چیز قادر است. او در برابر آنچه می‌بخشـد پاداش و جزایی نمی‌خواهـد چرا که غنیّ‌بالـذّات است. او حتّی بـدون درخواست می‌دهد چرا که از همه چیز با خبر اسـت و حکیـم است. بلکـه در حقیقـت هیچکس جز او «روزی دهنـده» نیسـت؛ چرا کـه هر کس هر چه دارد از او است و هر کس چیزی بـه دیگری می‌دهـد «واسـطه انتقـال روزی» است نه روزی دهنـده. این نکته نیز قابـل دقّت است که او در برابر «امـوال فـانی»، «نعمتهای باقی» می‌دهد؛ و در مقابل «قلیل»، «کثیر» می‌بخشد. چند نکته مهم

الف- انفاق مایه فزونی است نه کمبود

تعبیری که در آیات فوق در مورد انفاق خوانـدیم که فرمود هر چیزی را که در راه خـدا انفاق کنیـد خداونـد جای آن را پر می‌کند

تعبیری است بسیار پر معنی: اسلام و کمک‌های مردمی، ص: ۴۲ اولًا، از این نظر که (شیء) به معنی وسیع کلمه، تمام انواع انفاقها را اعم از مادّی و معنوی، کوچک و بزرگ، به هر انسان نیازمند اعم از صغیر و کبیر، همه را شامل می‌شود، مهم این است که انسان از سرمایه‌های موجود خود در راه خدا ببخشد به هر کیفیّت و به هر کمّیّت که باشد. ثانیاً، انفاق را از مفهوم فنا بیرون می‌آورد، و رنگ بقا به آن می‌دهد، چرا که خداوند تضمین کرده با مواهب مادّی و معنوی خود که چندین برابر و گاه هزاران برابر- و حدّ اقل ده برابر است- جای آن را پر کند؛ و به این ترتیب شخص انفاق‌کننده هنگامی که با این روحیّه و این عقیده به میدان می‌آید دست و دل بازتری خواهد داشت؛ او هرگز احساس کمبود و فکر فقر به مغز خود راه نمی‌دهد، بلکه خدا را شکر می‌گوید که او را موفّق به چنین تجارت پرسودی کرده است. همان تعبیری که قرآن مجید در آیه ۱۰ و ۱۱ سوره صف فرموده است: یا أیّها الّذین آمنوا هل ادلّکم علی تجارهٔ تنجیکم من عذاب الیم* تؤمنون باللَّهِ و رسوله و تجاهدون فی سبیل‌اللَّه باموالکم وانفسکم ذلکم خیر لکم إن کنتم تعلمون ای کسانی که ایمان آورده‌اید آیا شما را به تجارت پرسودی که از عذاب دردناك رهاییتان می‌بخشد راهنمایی بنمایم، به خدا و پیامبرش ایمان بیاورید و در راه خدا با اموال و جانهایتان جهاد کنید این برای شما بهتر است اگر بدانید. در روایتی از پیغمبر گرامی اسلام می‌خوانیم که فرمود: ینادی مناد کلّ لیلهٔ لدوا للموت! اسلام و کمک‌های مردمی، ص: ۴۳ ینادی مناد ابنوا للخراب! وینادی مناد اللّهمّ هبّ للمنفق خلفا! وینادی مناد اللّهمّ هب للممسك تلفاً! وینادی مناد لیت النّاس لم یخلقوا! وینادی مناد لیتهم إذ خلقوا فکروا فیما له خلقوا! در هر شب منادی آسمان ندا می‌دهد: بزایید برای مردن! ومنادی دیگری ندا می‌دهد: بنا کنید برای ویرانی! ومنادی ندا می‌دهد: خداوندا! برای آنها که انفاق می‌کنند عوضی قرار ده! ومنادی دیگری ندا می‌کند: خداوندا! برای آنها که امساك می‌کنند تلفی قرار ده! ومنادی دیگری می‌گوید: ای کاش مردم آفریده نمی‌شدند! ومنادی دیگری صدا می‌زند: ای کاش اکنون که آفریده شدند، اندیشه می‌کردند که برای چه آفریده شده‌اند! منظور از این منادیها که ندا می‌دهند فرشتگانند که به فرمان خدا تدبیر امور این عالم می‌کنند. در حدیث دیگری از آن حضرت می‌خوانیم: من أیقن بالخلف سخت نفسه بالنّفقهٔ! کسی که یقین به عوض و جانشین داشته باشد، در انفاق کردن سخاوتمند خواهد بود. همین معنی از امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام نیز نقل شده است. امّا مسأله مهم این است که انفاق از اموال حلال و مشروع باشد که خدا غیر آن را قبول نمی‌کند و برکت نمی‌دهد. اسلام و کمک‌های مردمی، ص: ۴۴ لذا در حدیثی از امام صادق علیه السلام می‌خوانیم: شخصی خدمتش عرض کرد دو آیه در قرآن است که هر چه من به سراغ آن می‌روم آن را نمی‌یابم (و به محتوای آن نمی‌رسم). امام فرمود کدام آیه است؟ عرض کرد نخست این سخن خداوند بزرگ است که می‌گوید: «ادعونی استجب لکم؛ مرا بخوانید تا دعای شما را مستجاب کنم» من خدا را می‌خوانم اما دعایم مستجاب نمی‌شود! فرمود: آیا فکر می‌کنی خداوند عزّوجلّ وعده خود را تخلّف کرده؟ عرض کرد: نه فرمود: پس علّت آن چیست؟ عرض کرد: نمی‌دانم. فرمود: ولی من به تو خبر می‌دهم: من اطاع‌اللَّه عزّوجلّ فیما أمره من دعائه من جههٔ الدّعاء اجابه کسی که اطاعت خداوند متعال کند در آنچه امر به دعا کرده و جهت دعا را در آن رعایت کند، اجابت خواهد کرد. عرض کرد: جهت دعا چیست؟ فرمود: نخست حمد خدای می‌کنی، و نعمت او را یادآور می‌شوی؛ سپس شکر می‌کنی؛ بعد درود بر پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرستی؛ سپس گناهانت را به خاطر می‌آوری، اقرار می‌کنی و از آنها به خدا پناه می‌بری و توبه می‌نمایی؛ این است جهت دعا. سپس فرمود: آیه دیگر کدام است؟ اسلام و کمک‌های مردمی، ص: ۴۵ عرض کرد: این آیه است که می‌فرماید: «وما انْفَقْتُمْ مِنْ شَیءٍ فهو یخلفه وهو خیر الرّازقین» امّا من در راه خدا انفاق می‌کنم ولی چیزی که جای آن را پر کند عاید من نمی‌شود. امام علیه السلام فرمود: فکر می‌کنی خداوند از وعده خود تخلّف کرده؟ عرض کرد: نه فرمود: پس چرا چنین است؟ عرض کرد: نمی‌دانم. فرمود: لو ان احدکم اکتسب المال من حلّه، وانفقه فی حلّه، لم ینفق درهماً إلّااخلف علیه اگر کسی از شما مال حلالی به دست آورد و در راه حلال انفاق کند، هیچ درهمی را انفاق نمی‌کند مگر این که خدا عوضش را به او می‌دهد.

ب- اموال خودرا بیمه الهی کنید

یکی از مفسّران در این‌جا تحلیل جالبی دارد می گوید: عجب این است که تاجر هنگامی که بداند یکی از اموالش در معرض تلف است حاضر است آن را به راحتی به صورت نسیه بفروشد، هر چند طرف فقیر باشد؛ می گوید: این بهتر از این است که بگذارم و نابود شود. و اگر تاجری در چنین شرایطی اقدام به فروش اموالش نکند تا نابود شود او را (خطاکار) می‌شمرند. و اگر در چنین شرایطی خریدارِ سرمایه‌داری پیدا شود و به او نفروشد اسلام و کمک‌های مردمی، ص: ۴۶ او را (بی عقل) معرفی می کنند. و اگر علاوه بر همه اینها خریدار با داشتن تمکّن مالی همه گونه وثیقه بسپارد و سند قابل اطمینانی نیز بنویسد در عین حال به او نفروشد (دیوانه) اش می‌خوانند ولی تعجّب در این است که همه ما این کارها را انجام می‌دهیم و هیچکس آن را جنون نمی‌شمرد! زیرا تمام اموال ما قطعاً در معرض زوال است و خواه ناخواه از دست ما بیرون خواهد رفت، و انفاق کردن در راه خدا یک نوع وام دادن به او است، و ضامنی بسیار معتبر یعنی خداوند بزرگ فرموده: «وما انفقتم من شیء فهو یخلفه؛ هر چه را انفاق کنید عوضش را می‌دهد.» ودر عین حال املاک خودرا نزد ما گروگان گذاشته، چرا که هر چه در دست انسان است عاریتی از ناحیه اوست (و محکمترین سندها از کتب آسمانی در این زمینه در اختیار ما نهاده). امّا با همه اینها، بسیاری از ما اموال خودرا انفاق نمی کنیم و می گذاریم از دستمان برود، نه اجری داریم و نه کسی از ما تشکّری می کند.

ج- وسعت مفهوم انفاق

برای این که بدانیم مفهوم انفاق تا چه حد در اسلام گسترده است کافی است حدیث زیر را مورد توجّه قرار دهیم: پیغمبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله فرمود: کلّ معروف صدقهٔ، وما انفق الرّجل علی نفسه وأهله کتب له صدقهٔ وما وقی به الرّجل عرضه فهو صدقهٔ، وما انفق الرّجل اسلام و کمک‌های مردمی، ص: ۴۷ من نفقهٔ فعلی اللّه خلفها، إلّاما کان من نفقهٔ فی بنیان أو معصیهٔ هر کار نیکی به هر صورت باشد صدقه و انفاق در راه خدا محسوب می‌شود (و منحصر به انفاقهای مالی نیست). و هر چه انسان برای حوایج زندگی خود و خانواده خود صرف می کند صدقه نوشته می‌شود. و آنچه را که انسان آبروی خودرا با آن حفظ می کند صدقه محسوب می گردد. و آنچه را انسان در راه خدا انفاق می کند عوض آن را به او خواهد داد مگر چیزی که صرف بنا شود (همچون بنای خانه) یا در راه معصیت صرف گردد. استثناء خانه ممکن است از این نظر باشد که عین آن باقی است به علاوه مردم بیشترین توجّهشان به آن است.

۷ انفاقهای شما نزد خداست!

وَمَآ أَنفَقْتُم مّن نَّفَقَةٍ أَوْ نَذَرْتُم مّن نَّذْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُهُ وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَنصَارٍ و هر چیزی را که انفاق می کنید یا (اموالی را که) نذر کرده‌اید (که در راه خدا انفاق کنید) خداوند آنها را می‌داند و ستمگران یاوری ندارند. «سوره بقره، آیه ۲۷۰» توضیح این آیه می گوید: آنچه را در راه خدا انفاق می‌کنید اعم از این که واجب باشد یا غیر واجب، کم باشد یا زیاد، از راه حلال تهیّه شده باشد یا حرام، با اخلاص در راه خدا انفاق شود یا با ریا، توأم با منّت و آزار باشد یا بدون آن، از اموالی باشد که خداوند دستور به انفاق آن داده است یا انسان بوسیله نذر بر خود واجب کرده باشد، به هر گونه‌ای که باشد، خدا آن را می‌داند و جزای آن را خواهد داد. خلاصه این که، تمام انفاقها حتماً مورد توجّه ذات پاک پروردگار است، اسلام و کمک‌های مردمی، ص: ۵۰ چه خوب است که همه پاک باشد. «وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَنصَارٍ» در این جمله می گوید «ستمگران یار و یاوری ندارند.» یعنی، آنها که اموال خویش را در راه خدا انفاق می کنند و به این وسیله محرومان و تهیدستان را نجات می‌دهند یا با صرف مال در کارهایی که نفع اجتماعی دارد

رفاه و آسایش عمومی را فراهم می‌سازند، این انفاقها پشتیبان و مددکار آنها خواهد بود و از آن استفاده خواهند کرد، در حالی که ثروت‌اندوزان بخیل و یا انفاق‌کنندگان ریاکار و مردم آزار از این «یار و یاور» محرومند! و ممکن است اشاره به این باشد که در برابر کیفرهایی که در قیامت در انتظار ریاکاران و بخیلان و منّت‌گذاران و مردم آزاران است، هیچ‌کس از آنها حمایت و شفاعت نخواهد کرد، اینها ستمگرانی هستند که حقوق توده‌های رنجدیده را پایمال کرده‌اند؛ بنابراین، کسی در آن دادگاه بزرگ از آنها دفاع نمی‌کند، این اثر ظلم و ستم در هر چهره و به هر شکل و گونه است. خوشا به حال آنان که در آن روز یاورانی از کمکهای مردمی و انفاقهای فی سبیل اللّه دارند! اسلام و کمک‌های مردمی، ص: ۵۱

۸ انفاق کنید و از فقر نترسید

اشاره

الشَّيْطَانُ يَعِدُكُمُ ا لْفَقْرَ وَيَأْمُرُكُم بِالْفَحْشَآءِ وَاللَّهُ يَعِدُكُم مَّغْفِرَةً مِنْهُ وَفَضْلًا وَاللَّهُ وَا سِعٌ عَلِيمٌ شیطان شما را (به هنگام انفاق) وعده «فقر» و «تهیدستی» می‌دهد و به زشتیها دعوت می‌کند، ولی خداوند به شما وعده «آمرزش» و «فزونی» می‌دهد، خداوند قدرتش وسیع و (به هر چیز) داناست (و به وعده خود وفا می‌کند). «سوره بقره، آیه ۲۶۸» توضیح

مبارزه با افکار شیطانی که مانع انفاق است

در نخستین جمله می‌گوید: هنگام انفاق یا ادای زکات، شیطان شما را از فقر و تنگدستی می‌ترساند (بخصوص اگر اموال خوب و قابل توجّه بخواهید انفاق کنید) و چه بسا این وسوسه شیطانی مانع از انفاق و بخشش گردد، و حتّی ممکن است در ادای زکات و خمس و سایر انفاقهای واجب نیز اثر بگذارد. اسلام و کمک‌های مردمی، ص: ۵۲ خدا به این وسیله مردم را آگاه می‌کند که خودداری از انفاق به جهت ترس از تهیدستی، فکری غلط و از وسوسه‌های شیطانی است و چون ممکن است به نظر برسد که این ترس گرچه از ناحیه شیطان است ولی یک ترس منطقی است، بلا فاصله می‌فرماید: «ویأمرکم بالفحشاء؛ شیطان شما را وادار به معصیت و گناه می‌کند.» بنابراین، ترس از فقر و تهیدستی به یقین غلط است زیرا شیطان جز به باطل و گمراهی دعوت نمی‌کند. اصولًا هر نوع فکر «منفی و بازدارنده» سرچشمه‌اش انحراف از فطرت و تسلیم در برابر وسوسه‌های شیطانی است، امّا هرگونه فکر «مثبت» و «سازنده» و آمیخته با بلند نظری سرچشمه‌اش الهامات الهی و فطرت پاک خداداد است. و با توجّه به این که وسوسه‌های شیطانی بر ضدّ قوانین آفرینش و سنّت الهی است، نتیجه و اثرش زیان و بدبختی است. در مقابل، فرمان‌های پروردگار، هماهنگ و هم دوش با آفرینش و فطرت است و نتیجه آن، حیات و زندگی سعادت‌بخش می‌باشد. به تعبیر روشن‌تر، در نظر ابتدایی انفاق و بذل مال، چیزی جز «کم کردن» مال نیست، و این همان نظر کوته‌بینانه شیطانی است، ولی با دقّت و دید وسیع واضح است که انفاق ضامن بقای جامعه، و تحکیم عدالت اجتماعی، وسبب کم کردن فاصله طبقاتی، و پیشرفت همگانی می‌باشد، و مسلّم است که با پیشرفت اجتماع افرادی که در آن اجتماع زندگی می‌کنند نیز در رفاه و آسایش خواهند بود؛ این همان نظر واقع‌بینانه الهی است. اسلام و کمک‌های مردمی، ص: ۵۳ خلاصه، در یک جامعه بدبخت نمی‌توان خوشبخت زندگی کرد. قرآن به این وسیله مسلمانان را توجّه می‌دهد که انفاق اگر بظاهر چیزی از شما کم می‌کند، در واقع چیزهایی بر سرمایه‌های شما می‌افزاید، و هم از نظر معنوی و هم از نظر مادّی خوشبختی می‌آفریند. در دنیای امروز که در نتیجه اختلاف طبقاتی، پایمال شدن ثروتها در جنگها و حوادث دیگر به روشنی بچشم می‌خورد، درک معنی آیه فوق چندان مشکل نیست. ضمناً از آیه استفاده می‌شود که یک نوع ارتباط میان «ترک نمودن انفاق» و «فحشاء» وجود دارد، البتّه اگر فحشاء به معنی بخل باشد ارتباط آن از این جهت است که ترک انفاق و بخششهای

مالی، آرام آرام صـفت «بخل» را که از بدترین صفات است در انسان نهادینه می کند، و اگر فحشاء را به معنی مطلق گناه، یا فحشای جنسـی بگیریم باز ارتباط آن با ترک انفاق بر کسـی پوشـیده نیست، زیرا سرچشـمه بسیاری از گناهان، وبی‌عفّتی‌ها و خود فروشیها، فقر و تهیدستی است! علاوه بر همه اینها، انفاق یک سلسله آثار و برکات معنوی دارد که در ادامه آیه به آن اشاره شده است: «وَاللَّهُ یَعِدُکُم مَّغْفِرَةً مِّنْهُ وَفَضْلًا». در تفسیر مجمع البیان از امام صادق علیه السلام نقل شده است که هنگام انفاق دو چیز از طرف خدا است و دو چیز از نـاحیه شـیطان است، آنچه از جانب خـداست «آمرزش گناهان» و «وسـعت روزی» است، و آنچه از طرف شـیطان اسـت «وعـده فقر» و «امر بفحشـاء» است. بنـابراین، منظور از مغفرت، آمرزش گناهـان است و منظور از فضل، اسـلام و کمک‌های مردمی، ص: ۵۴ همان‌طور که از ابن عبّاس نقل شده وسعت روزی در پرتو انفاق می‌باشد. جالب توجّه اینکه، از امیرمؤمنان علی علیه السلام نقـل شـده که فرمود: هنگـامی که در سـختی و تنگـدستی افتادیـد بوسـیله انفـاق کردن، بـا خـدا معامله کنیـد یعنی انفاق کنیـد تا از تهیـدستی نجات یابیـد! در پایان آیه می‌فرمایـد: «وَاللَّهُ وَا سِعٌ عَلِیمٌ». در این جمله اشاره به این حقیقت شـده که چون خداونـد دارای قدرت وسیع و علم بی‌پایان است می‌تواند به وعده خویش عمل کند؛ بنابراین، باید به وعده او دلگرم بود، نه وعده شیطان «فریبکار» و «ناتوان» که انسان را به گناه می کشاند و چون از آینده آگاه نیست و قدرتی ندارد، وعده او جز گمراهی و تشویق به گناه نخواهد بود. اسلام و کمک‌های مردمی، ص: ۵۵

۹ حتّی به غیر مسلمانان انفاق کنید!

اشاره

لَیْسَ عَلَیْکَ هُدَاهُمْ وَلکِنَّ اللَّهَ یَهْدِی مَن یَشَآءُ وَمَا تُنْفِقُواْ مِنْ خَیْرٍ فَلِأَنفُسِکُمْ وَمَاتُنفِقُونَ إِلَّا ابْتِغَآءَ وَجْهِ اللَّهِ وَمَا تُنْفِقُواْ مِنْ خَیْرٍ یُوَفَّ إِلَیْکُمْ وَأَنْتُمْ لَاتُظْلَمُونَ هدایت آنها (بطور اجبار) بر تو نیست (بنابراین ترک انفاق به غیر مسلمانان برای اجبار به اسلام صحیح نیست) ولی خداونـد هر که را بخواهـد (و شایسـته باشـد) هـدایت می کند و آنچه را از خوبیها انفاق می کنید برای خودتان است، (ولی) جز برای رضای خدا انفاق نکنید، و آنچه از خوبیها انفاق می کنید به شما داده می‌شود و به شما ستم نخواهد شد. «سوره بقره، آیه ۲۷۲» شأن نزول در تفسیر «مجمع البیان» از ابن عبّاس نقل شده که مسـلمانان حاضر نبودند به غیر مسلمین انفاق کنند، آیه فوق نازل شد و به آنهـا اجـازه داد که در مواقع لزوم این کار را انجام دهنـد. اسـلام و کمک‌های مردمی، ص: ۵۶ شـأن نزول دیگری برای آیه فوق نقل شده که بی‌شـباهت به شأن نزول اوّل نیست و آن این که زن مسـلمانی بنام اسماء در سفر «عمرة القضاء» در خدمت پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله بود، مادر وجدّه آن زن به سـراغ او آمدند و از او کمکی خواسـتند، از آنجا که آن دو نفر مشـرک و بت‌پرسـت بودنـد «اسـماء» از کمک به آنها امتناع ورزید، گفت باید از پیامبر صـلی الله علیه و آله اجازه بگیرم، زیرا شـما پیرو آیین من نیستید، نزد پیامبر صـلی الله علیه و آله آمد اجازه خواست، آیه مورد بحث نازل گردید و به او اجازه داد. می‌فرماید: «لَیْسَ عَلَیْکَ هُدَاهُمْ؛ تو مجبور به هدایت آنها نیستی.» این جمله خطاب به پیغمبر اسلام صلی الله علیه و آله است و ارتباط آن با آیات قبل روشن است، زیرا آیات قبل مسأله انفاق را بطور کلّی مطرح نموده، و این آیه مسأله جواز انفاق به غیر مسلمانان را شرح می‌دهد، به این معنی که عدم انفـاق بر بینوایان غیر مسـلمان به منظور این که تحت فشار فقر قرار گیرنـد و اسـلام را اختیار کننـد و هـدایت شونـد، صـحیح نیست! بنـابراین، همـان‌طور کـه بخششـهای الهی و نعمتهـای او در این جهـان شامـل حـال همه انسانهـا (صـرف نظر از عقیـده و آیین آنهـا) می‌شود، مؤمنان هم باید به هنگام انفاقهای مستحبّی و رفع نیازمندیهای بینوایان، رعایت حال غیر مسـلمانان را نیز بکنند! البتّه این در صورتی است که انفـاق بر غیر مسـلمانان به خـاطر یـک کمـک انسانی باشـد و موجب تقویت کفر و پیشبرد نقشه‌های شوم دشـمنان نگردد بلکه آنها را به روح انسانـدوستی اسـلام آگاه سازد. روشن است که منظور از عـدم وجوب هـدایت مردم بر پیامبر این نیسـت

اسلام و کمک‌های مردمی، ص: ۵۷ که او موظف به ارشاد و تبلیغ آنها نباشد، زیرا ارشاد و تبلیغ روشن‌ترین و اساسی‌ترین برنامه پیامبر است، بلکه منظور این است که او موظّف نیست که آنها را تحت فشار قرار دهد و اجبار بر هدایت کند؛ و به عبارت دیگر، منظور نفی هدایت اجباری است نه اختیاری؛ و به تعبیر دیگر، منظور نفی هدایت تکوینی است نه تشریعی.

اثر انفاق در زندگی انفاق کنندگان

سپس می‌افزاید: «وَمَاتُنفِقُواْ مِنْ خَيْرٍ فَلِأَنفُسِكُمْ» این جمله می‌گوید منافع انفاق به خود شما بازگشت می‌کند و به این وسیله انفاق کنندگان را تشویق به این عمل انسانی می‌نماید. مسلّماً انسان هنگامی که بداند نتیجه کار او به خود او باز می‌گردد بیشتر به آن کار علاقه‌مند خواهد شد؛ ممکن است در ابتدا چنین به نظر برسد که منظور از بازگشت منافع انفاق به انفاق‌کننده همان پاداش و نتایج اخروی آن است؛ البتّه این معنی صحیح است، ولی نباید تصوّر کرد که سود انفاق تنها جنبه اخروی دارد، بلکه از نظر این دنیا نیز به سود آنهاست. از نظر معنوی، روح گذشت و بخشش و فداکاری و نوع دوستی را در انفاق‌کننده پرورش می‌دهد، و در حقیقت وسیله مؤثّری برای تکامل روحی و پرورش شخصیّت اوست. و امّا از نظر مادّی وجود «افراد محروم و بینوا» در یک اجتماع، موجب انفجارهای خطرناک می‌گردد، همان انفجاری که گاه تمام اصل مالکیّت را در خود فرو می‌برد و تمام ثروتها را می‌بلعد و نابود می‌سازد! اسلام و کمک‌های مردمی، ص: ۵۸ انفاق، فاصله طبقاتی را کم می‌کند و خطراتی را که از این رهگذر متوجّه افراد اجتماع می‌شود، از میان می‌برد. انفاق آتش خشم و شعله‌های سوزان طبقات محروم را فرومی‌نشاند و روح انتقام و کینه‌توزی را از آنها می‌گیرد. بنابراین، انفاق از نظر سلامت جامعه و امنیّت آن به سود انفاق‌کنندگان نیز هست. ودر ادامه می‌افزاید: «وَ مَاتُنْفِقُونَ إِلَّا ابْتِغَآءَ وَجْهِ اللَّهِ» یعنی، مسلمانها اموال خودرا انفاق نمی‌کنند مگر برای «وجه اللَّه»، برای طلب رضا و خشنودی او. ممکن است همان‌طور که بعضی از مفسّران گفته‌اند این جمله «خبریّه» در این‌جا به معنی نهی باشد یعنی مردم نباید انفاق کنند مگر برای رضای خدا؛ زیرا تنها در صورتی انفاق آن همه منافع دارد که به خاطر خدا انجام گیرد.

وجه‌اللَّه چه معنی دارد؟

وجه در لغت به معنی صورت است، و گاهی به معنی «ذات» به کار برده می‌شود، بنابراین «وجه اللَّه» یعنی ذات خدا. انفاق‌کنندگان باید نظرشان ذات پاک پروردگار باشد، پس ذکر کلمه وجه در این آیه متضمّن یک نوع تأکید است، زیرا هنگامی که گفته شود «برای ذات خدا» تأکید آن از «برای خدا» بیشتر است. بعلاوه، صورت، شریفترین قسمت ظاهری بدن است، زیرا اعضای اسلام و کمک‌های مردمی، ص: ۵۹ مهمّ بینایی، شنوایی و گویایی در آن قرار گرفته است؛ به همین دلیل هنگامی که کلمه وجه به کار برده شود شرافت و اهمّیّت را می‌رساند؛ و در این جا که به طور کنایه در مورد خداوند به کار برده شده است، در واقع یک نوع احترام و اهمّیّت از آن فهمیده می‌شود؛ بدیهی است که خدا نه جسم است و نه صورت دارد. و در جمله پایانی آیه آمده است: «وَمَا تُنْفِقُواْ مِنْ خَيْرٍ يُوَفَّ إِلَيْكُمْ وَأَنتُمْ لَاتُظْلَمُونَ» این جمله مطلب گذشته را روشن‌تر می‌سازد که گمان نکنید تنها از انفاق سود مختصری می‌برید بلکه تمام آنچه را انفاق می‌کنید به طور کامل به خود شما باز می‌گردد، و کوچکترین ظلمی به شما نخواهد شد؛ بنابراین، در انفاقهای خود کاملًا دست و دل باز باشید. این جمله ضمناً دلیل دیگری بر مسأله تجسّم اعمال است؛ زیرا می‌گوید همان چیزی را که انفاق کرده‌اید به شما پس داده خواهد شد. (دقّت کنید)

۱۰ با انفاق، خود را از خطرات نجات دهید

وَأَنْفِقُواْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا تُلْقُواْ بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ وَأَحْسِنُواْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ و در راه خدا انفاق کنید، (وبا ترک انفاق)

خودرا به دست خود به هلاکت نیفکنید و نیکی کنید که خداوند نیکوکاران را دوست می‌دارد. «سوره بقره، آیه ۱۹۵» توضیح جهاد به همان اندازه که به مردان با اخلاص و نیرومند و کار آزموده نیازمند است به اموال و ثروت نیز احتیاج دارد؛ زیرا در جهاد هم آمادگی روحی و بدنی لازم است، و هم اسلحه مناسب و تجهیزات جنگی؛ درست است که عامل تعیین‌کننده سرنوشت جنگ، در درجه اوّل روحیّه سربازان است، ولی سرباز احتیاج به وسایل دارد؛ این‌جاست که این آیه تأکید می‌کند انفاق نکردن در این راه به هلاکت افکندن خود و مسلمانان است. مخصوصاً در زمان ظهور اسلام، بسیاری از مسلمانان شور و عشق به اسلام و کمک‌های مردمی، ص: ۶۲ جهاد در سر داشتند ولی فقیر و نیازمند بودند و نمی‌توانستند حتّی وسایل ساده جنگی تهیّه کنند، چنان‌که قرآن نقل می‌کند که آنها می‌آمدند و از پیغمبر می‌خواستند که وسیله جنگ برای آنها فراهم سازد و آنان را به میدان جهاد برساند و چون وسیله فراهم نبود غمناک و افسرده با چشم اشکبار برمی‌گشتند (تولّوا واعینهم تفیض من الدّمع حزناً ألّا یجدوا ما ینفقون «۱» ؛ با چشمان گریان و پر اشک برمی‌گشتند محزون بودند که چرا مالی نداشتند وسیله تهیه کنند و در جنگ حاضر گردند.)! از سوی دیگر، این آیه هر چند در ذیل آیات جهاد آمده است ولی یک حقیقت گسترده اجتماعی را می‌توان از آن استفاده کرد و آن این که انفاق به‌طور کلّی سبب رهایی افراد اجتماع از هلاکت است، و بعکس هنگامی که انفاق فراموش شود و ثروتها در یک قطب اجتماع جمع گردد، اکثریّتی محروم و بینوا به وجود می‌آیند، و دیری نخواهد گذشت که انفجار عظیمی در اجتماع به وجود می‌آید که نفوس و اموال سرمایه‌داران در آتش آن خواهد سوخت! از این جا ارتباط مسأله «انفاق» و «پیشگیری از هلاکت» روشن می‌گردد. بنابراین، انفاق قبل از آن که به حال محرومان مفید باشد به نفع ثروتمندان است. آری، تعدیل ثروت حافظ ثروت است؛ علی علیه السلام به همین حقیقت اشاره می‌کند آنجا که می‌فرماید: اسلام و کمک‌های مردمی، ص: ۶۳ «حصّنوا أموالکم بالزّکاة «۱»؛ اموال خویش را با دادن زکات حفظ کنید.» در پایان آیه دستور به احسان داده شده (وَأَحْسِنُواْ إِنَّ اللَّهَ یُحِبُّ ا لْمُحْسِنِینَ). یعنی، از مرحله جهاد و انفاق به مرحله احسان و نیکی رهبری می‌کند؛ زیرا مرحله احسان بالاترین مراحل تکامل انسانی است که اسلام به آن توجّه دارد. آمدن این جمله در ذیل آیه انفاق در ضمن اشاره به این است که در انفاق می‌بایست کمال نیکی و مهربانی باشد و از هر نوع منّت و آنچه باعث رنجش و ناراحتی انفاق شونده می‌باشد برحذر گردد. اسلام و کمک‌های مردمی، ص: ۶۵

۱۱ چه کسانی از آتش دوزخ بر کنارند؟

اشاره

وَ سَیُجَنَّبُهَا الْأَتْقَی* الَّذِی یُؤتِی مَالَهُ یَتَزَکَّی و به زودی با تقواترین مردم از آن (آتش سوزان) دور داشته می‌شود، همان کس که مال خود را (در راه خدا) می‌بخشد تا پاک شود. «سوره لیل، آیات ۱۷ و ۱۸» توضیح در این جا قرآن از گروهی سخن می‌گوید که از آتش شعله‌ور و سوزان جهنّم برکنارند. تعبیر به «یتزکّی» اشاره به قصد قربت و نیّت خالص است خواه این جمله به معنی کسب نموّ معنوی و روحانی باشد، یا به دست‌آوردن پاکی اموال، چون «تزکیه» هم به معنی نموّ دادن آمده و هم پاک کردن. در آیه ۱۰۳ سوره توبه نیز می‌خوانیم: «خُذْ مِنْ أَمْوَا لِهِمْ صَدَقَةً تُطَهّرُهُمْ وَتُزَکّیهِم بِهَا وَصَلّ عَلَیْهِمْ إِنَّ صَلَو تَکَ سَکَنٌ لَّهُمْ؛ از اموال آنها زکاتی بگیر تا به وسیله آن آنها را پاک‌سازی و پرورش دهی و اسلام و کمک‌های مردمی، ص: ۶۶ (هنگام گرفتن زکات) به آنها دعا کن که دعای تو مایه آرامش آنها است.» سپس برای تأکید بر مسأله خلوص نیّت در انفاقها می‌افزاید: «وما لأحد عنده من‌نعمهٔ تجزی؛ هیچ‌کس را نزد خدا حقّ نعمتی نیست تا انفاق در مقابل آن باشد.» بلکه تنها هدف انسان باید جلب رضای پروردگار بزرگ باشد (إلّا ابتغاء وجه ربّه الأعلی). و به تعبیر دیگر، بسیاری از انفاقها در میان مردم پاسخی است به انفاق مشابهی که از ناحیه طرف مقابل قبلًا شده است، البتّه حق‌شناسی و پاسخ احسان به احسان کار خوبی است، ولی حسابش از انفاقهای خالصانه پرهیزگاران جدا است،

آیات فوق می گوید: انفاق مؤمنان پرهیزگار به دیگران نه از روی ریا است، و نه به خاطر جوابگویی خدمات سابق آنها، بلکه انگیزه آن تنها و تنها جلب رضای خداوند است، و همین است که به آن انفاق ارزش فوق‌العاده‌ای می‌دهد. تعبیر به «وجه» در این‌جا به معنی ذات است، و منظور رضایت و خشنودی ذات پاك او است. تعبیر به «ربّه الأعلی» نشان می‌دهد که این انفاق با معرفت کامل صورت می گیرد، و در حالی است که هم به ربوبیّت پروردگار آشنا است و هم از مقام اعلای او با خبر است. در ضمن این استثناء هر گونه نیّت غیر الهی را نیز نفی می کند، مانند انفاق کردن برای خوشنامی و جلب توجّه مردم، یا کسب موقعیّت اجتماعی، و مانند آن، زیرا مفهوم آن منحصر ساختن انگیزه انفاقها در جلب خشنودی پروردگار است. اسلام و کمک‌های مردمی، ص: ۶۷

فرهنگ انفاق در روایات اسلامی

انفاق و بخشش در راه خدا و کمک مالی به افراد محروم و آبرومند، توأم با خلوص نیّت، از اموری است که در آیات قرآن مجید مکرّر بر مکرّر روی آن تکیه شده و از نشانه‌های ایمان ذکر شده است. روایات اسلامی نیز مملو از تأکید در این باره است تا آنجا که نشان می‌دهد در فرهنگ اسلام انفاق مالی به شرط این که انگیزه‌ای جز رضای پروردگار نداشته باشد و از هرگونه ریاکاری و منّت و آزار خالی باشد از بهترین اعمال است. به روایات زیر توجّه کنید: ۱در حدیثی از امام باقر علیه السلام می‌خوانیم: انّ احبّ الأعمال إلی اللَّه إدخال السّرور علی المؤمن، شبعه أو قضاء دینه «۱» محبوبترین اعمال نزد خدا این است که قلب مؤمن نیازمندی را مسرور کند، او را سیر کرده، یا بدهی او را ادا کند. ۲در حدیثی از رسول اللَّه صلی الله علیه و آله آمده است: من الایمان حسن الخلق، واطعام الطّعام، وإراقهٔ الدّماء «۲» حُسن خلق و اطعام طعام و ریختن خون (قربانی کردن در راه خدا) از نشانه‌های ایمان است. اسلام و کمک‌های مردمی، ص: ۶۸ ۳در حدیث دیگری از امام صادق علیه السلام آمده است: ما أری شیئاً یعدل زیارهٔ المؤمن إلّااطعامه، وحقّ علی‌اللَّه أنْ یطعم من اطعم مؤمناً من طعام الجنّهٔ «۱»؛ من چیزی را همانند دیدار مؤمن نمی‌بینم، جز اطعام کردن، و هر کس مؤمنی را اطعام کند بر خدا است که او را از طعام بهشت اطعام نماید. ۴در حدیث دیگری از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله آمده است که مردی مهار مرکب حضرت را گرفت وعرض کرد ای رسول خدا! «ایّ الأعمال افضل؛ چه عملی از همه اعمال برتر است؟» فرمود: اطعام الطّعام، واطیاب الکلام «۲» غذا دادن به مردم و خوش زبان بودن. ۵در حدیث دیگری از رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌خوانیم: من عال اهل بیتٍ من المسلمین یومهم ولیلتهم غفراللَّه ذنوبه «۳» کسی که خانواده‌ای از مسلمین را یک شبانه روز پذیرایی کند، خداوند گناهانش را می‌بخشد. چه کار کوچک و چه نتیجه بزرگی! اسلام و کمک‌های مردمی، ص: ۶۹

۱۲ راه رسیدن به مقاصد عالی

اشاره

لَنْ تَنَالُواْ ا لْبِرَّ حَتَّی تُنفِقُواْ مِمَّا تُحِبُّونَ وَمَاتُنفِقُواْ مِن شَیْءٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِیمٌ هرگز به (حقیقت) نیکوکاری نمی‌رسید مگر این‌که از آنچه دوست می‌دارید (در راه خدا) انفاق کنید، و آنچه انفاق می‌کنید خداوند از آن با خبر است. «سوره آل عمران، آیه ۹۲» توضیح لَنْ تَنَالُواْ ا لْبِرَّ حَتَّی تُنفِقُواْ مِمَّا تُحِبُّونَ واژه (بِرّ) در اصل به معنی وسعت است، و لذا صحراهای وسیع را «بَرّ» می گویند، و به همین جهت به کارهای نیک که نتیجه آن گسترده است و به دیگران می‌رسد «بِرّ» گفته می‌شود، و تفاوت میان «بِرّ» و «خیر» از نظر لغت عرب این است که «بِرّ» نیکوکاری توأم با توجّه و از روی قصد و اختیار است، ولی «خیر» به هر نوع نیکی که به دیگری بشود اگر چه بدون توجّه باشد، اطلاق می گردد. اسلام و کمک‌های مردمی، ص: ۷۰ آیه فوق می گوید: شما هرگز به حقیقت «بِرّ» و نیکی نمی‌رسید مگر این‌که از آنچه دوست می‌دارید در راه خدا انفاق کنید. در این که مقصود در این‌جا از کلمه «بِرّ» چیست، مفسّران

گفتگوی بسیار دارنـد؛ بعضـی آن را به معنی بهشت، و بعضـی به معنی پرهیزکاری و تقوا، و بعضـی به معنی پاداش نیک گرفته‌اند؛ ولی آنچه از آیـات قرآن اسـتفاده می‌شود این است که «بِرّ» معنی وسـیعی دارد و به تمـام نیکیهـا اعم از ایمـان و اعمـال پـاک گفته می‌شود چنـانکه از آیه ۱۷۷ سوره بقره اسـتفاده می‌شود که (ایمـان به خـدا، و روز جزا، و پیـامبران، و کمک به نیازمنـدان، و نماز و روزه، و وفـای به عهـد، و اسـتقامت در برابر مشـکلات و حـوادث، همه از شـعب «بِرّ» محسوب می‌شونـد. بنـابراین، رسـیدن به مقـام نیکوکـاران واقعی، شـرایط زیـادی دارد که یکی از آنهـا انفـاق کردن از اموالی است که مورد علاقه انسان است؛ زیرا عشق و علاقه واقعی به خـدا، و احترام به اصول انسـانیّت و اخلاق، آنگاه روشن می‌شود که انسان بر سـر دو راهی قرار گیرد، در یک طرف مال و ثروت یـا مقـام و منصـبی قرار داشـته باشـد که مـورد علاقه شدیـد او است، و در طرف مقابـل، خـدا و حقیقت و عواطف انسـانی و نیکوکاری؛ اگر از اوّلی به خاطر دومی صرف نظر کرد معلوم می‌شود که در عشق و علاقه خود صادق بوده است، و اگر تنها در این راه از موضوعات جزئی حاضر بود صرف نظر کند، معلوم می‌شود عشق و علاقه معنوی او نیز به همان پایه است و این مقیاسی است برای سنجش ایمان و شخصیّت.

نفوذ آیات قرآن در دلهای مسلمانان

نفوذ آیـات قرآن در دلهـای مسـلمانان بقـدری سـریع و عمیق بود که بلا فاصـله بعـد از نزول آیات اثر آن ظاهر می‌گشت؛ به عنوان نمـونه، در مـورد آیه فوق در تواریـخ و تفاسـیر اسـلامی چنین می‌خوانیم: ۱یکی از یـاران پیـامبر صـلی الله علیه و آله بنـام «ابوطلحه انصاری» در مدینه نخلسـتان و باغی داشت بسیار مصفّا و زیبا، که همه در مدینه از آن سخن می‌گفتند، در آن چشمه آب صافی بود که هر موقع پیـامبر صـلی الله علیه و آله به آن بـاغ می‌رفت از آن آب میـل می‌کرد و وضو می‌سـاخت؛ و علاوه بر همه اینها، آن باغ درآمـد خـوبی برای ابـوطلحه داشـت؛ پس از نزول آیـه فـوق به خـدمت پیـامبر صـلی الله علیه و آله آمـد و عرض کرد: می‌دانی که محبوبترین اموال من همین باغ است، و من می‌خواهم آن را در راه خـدا انفاق کنم تا ذخیره‌ای برای رسـتاخیز من باشد؛ پیامبر صـلی الله علیه و آله فرمود: «بـخ بـخ ذلـک مـال رابـح لـک؛ آفرین بر تو، آفرین بر تو، این ثروتی است که برای تو سودمنـد خواهـد بود!» سپس فرمود: «من صـلاح می‌دانم که آن را به خویشاونـدان نیازمنـد خود بدهی!» ابوطلحه دسـتور پیامبر صـلی الله علیه و آله را عمل کرد و آن را در میان بستگان خود تقسیم کرد. ۲روزی مهمانی بر «ابوذر» وارد شـد؛ او که زندگی ساده‌ای داشت از مهمان معذرت خواست که من بر اثر گرفتاری نمی‌توانم شخصاً از تو اسلام و کمک‌های مردمی، ص: ۷۲ پذیرایی کنم؛ من چند شتر در فلان نقطه دارم، قبول زحمت کن، بهترین آنهـا را بیاور (تا برای تو قربانی کنم). میهمان رفت و شتر لاغری با خود آورد؛ ابوذر به او گفت حقّ امانت را ادا نکردی! چرا چنین شتری آوردی؟ او در جواب گفت من فکر کردم روزی به شترهای دیگر نیازمنـد خواهی شـد؛ ابوذر گفت روز نیـاز من زمـانی است که از این جهـان چشم فرو می‌بنـدم (چه بهتر که برای آن روز ذخیره کنم)، خداونـد می‌فرمایـد «لَنْ تَنـالُواْ ا لْبِرَّ حَتَّی تُنْفِقُواْ مِمَّا تُحِبُّونَ «۱»». ۳ «زبیـده» همسـر هـارون الرّشـید قرآنی بسـیار گران قیمت داشت که آن را بـا زر و زیور و جواهرات تزیین کرده بود و علاقه فراوانی به آن داشت؛ یـک روز هنگـامی که از همـان قرآن تلاوت می‌کرد به آیه «لَنْ تَنَالُواْ ا لْبِرَّ حَتَّی تُنْفِقُواْ مِمَّا تُحِبُّونَ» رسیده، با خواندن آیه در فکر فرو رفت و با خود گفت هیچ چیز مثل این قرآن نزد من محبوب نیست و باید آن را در راه خـدا انفـاق کنـم؛ کسـی را به دنبـال جـواهر فروشـان فرسـتاد و تزیینـات و جـواهرات آن را بفروخت و بهـای آن را در بیابانهـای حجـاز برای تهیّه آب مورد نیـاز بادیه‌نشـینان مصـرف کرد؛ می‌گوینـد: امروزه هم بقایـای آن چاه‌ها وجود دارد و به نام او نامیـده می‌شود. وَمَاتُنْفِقُواْ مِن شَیْءٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِیمٌ در پایان آیه برای جلب توجّه انفاق کننـدگان می‌فرماید: آنچه در راه خدا انفاق می‌کنیـد کم یا زیاد از اموال مورد علاقه یا غیر مورد علاقه، اسـلام و کمک‌های مردمی، ص: ۷۳ خداونـد از همه آنها آگاه است و بنابراین هرگز گم نخواهـد شـد و نیز چگونگی آن بر او مخفی نخواهـد ماند (اشاره به این که تمام اینها محفوظ است و پاداش همه

را در قیامت خواهید دید). *** انفاق در روایات اسلامی ۱رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرماید: من اعطی درهماً فی سبیل اللَّه کتب اللَّه له سبعمائهٔ حسنهٔ «۱» کسی که یک درهم در راه خدا بدهد، خداوند هفتصد حسنه در نامه اعمال او می‌نویسد. قابل توجّه این که درباره هیچ یک از اعمال خیر چنین پاداش عظیمی نیآمده است و این نشانه اهمّیّت فوق‌العاده انفاق است. تازه، این کمترین پاداشی است که به انفاق‌کنندگان داده می‌شود و گرنه به مقتضای «واللَّه یضاعف لمن یشاء» بعضی دو یا چند برابر این پاداش می‌برند! ۲امیرمؤمنان علی علیه السلام فرمود: طوبی لمن أنفق الفضل من ماله وأمسک الفضل من کلامه «۲» خوشا به حال کسی که اضافه بر نیاز خودش از اموالش را انفاق کند و از سخنان اضافی خودداری نماید. اسلام و کمک‌های مردمی، ص: ۷۴ ۳از همان بزرگوار علیه السلام نقل شده که فرمود: لیس لأحد من دنیا إلّاما انفقه علی اخراه «۱» بهره هر کسی از دنیا همان است که برای آخرت خود انفاق کرده است. ۴و نیز فرمود: إنّما لک من مالک ما قدّمته لاخرتک وما أخّرته فللوارث «۲» سهم تو از مالت همان است که برای جهان دیگر از پیش فرستاده‌ای، بقیّه سهم وارث است. تجربه نیز نشان داده که وارثان چنان دلباخته اموال بادآورده ارث می‌شوند که کمتر به صاحب مال می‌پردازند و حتّی به وصیّت موکّد او عمل نمی‌کنند. ۵امام صادق فرمود: ملعون ملعون من وهب اللَّه له مالًا فلم یتصدّق منه بشیء «۳» کسی که خداوند به او مالی بخشیده و چیزی از آن را در راه خدا ندهد ملعون و رانده شده درگاه خداست. ۶امیرمؤمنان علیه السلام می‌فرماید: انّ العبد إذا مات قالت الملائکهٔ ما قدّم وقال الناس ما أخّر «۴» انسان هنگامی که از دنیا می‌رود فرشتگان می‌گویند چه از پیش فرستاده و مردم می‌گویند: چه از خود باقی گذارده؟ اسلام و کمک‌های مردمی، ص: ۷۵ ۷کسی نزد امام کاظم علیه السلام آمد و عرض کرد فرزندانی دارم همه بیمارند فرمود: داووهم بالصّدقهٔ فلیس شیء اسرع اجابهٔ من الصّدقهٔ ولا اجدی منفعهٔ علی المریض من الصّدقهٔ «۱» بیماران خودرا با صدقه درمان کنید، برای اجابت دعا چیزی بهتر از صدقه نیست و برای درمان بیماران چیزی مفیدتر از آن نمی‌باشد.

بخش دوم شرایط انفاق ارزشمند

۱۳ انفاق ارزشمند

اشاره

یَأَیُّهَا الَّذِینَ امَنُواْ أَنْفِقُواْ مِن طَیِّبَاتِ مَاکَسَبْتُمْ وَمِمَّآ أَخْرَجْنَا لَکُم مِّنَ الْأَرْضِ وَلَاتَیَمَّمُواْ ا لْخَبِیثَ مِنْهُ تُنفِقُونَ وَلَسْتُم بِآخِذِیهِ إِلَّا أَنْ تُغْمِضُواْ فِیهِ وَاعْلَمُواْ أَنَّ اللَّهَ غَنِیٌّ حَمِیدٌ ای کسانی که ایمان آورده‌اید از قسمتهای پاکیزه اموالی که (از طریق تجارت) به دست آورده‌اید و از آنچه از زمین برای شما خارج ساخته‌ایم (از منابع و معادن زیرزمینی) انفاق کنید و به سراغ قسمتهای ناپاک نروید تا از آن انفاق کنید در حالی که خود شما (به هنگام پذیرش اموال) حاضر نیستید آن را بپذیرید مگر از روی اغماض و کراهت، و بدانید خداوند بی‌نیاز و شایسته ستایش است. «سوره بقره، آیه ۲۶۷» توضیح در شأن نزول این آیه از امام صادق علیه السلام نقل شده که این آیه درباره جمعی نازل شد که ثروتهایی از طریق رباخواری در زمان جاهلیّت جمع آوری کرده بودند، و از آن در راه خدا انفاق می‌کردند، خداوند آنها را از این کار اسلام و کمک‌های مردمی، ص: ۸۰ نهی کرد و فرمود از اموال پاک و حلال انفاق کنند! در «تفسیر مجمع البیان» پس از نقل این حدیث، از علی علیه السلام نقل می‌کند که فرمود این آیه درباره کسانی نازل گردید که به هنگام انفاق، خرماهای خشک و نامرغوب را با خرمای خوب مخلوط می‌کردند به آنها دستور داده شد که از این کار بپرهیزند. این دو شأن نزول هیچ‌گونه منافاتی با هم ندارند و ممکن است آیه در مورد هر دو دوسته نازل شده باشد که یکی ناظر به پاکی معنوی و دیگری ناظر به مرغوبیّت مادّی و ظاهری انفاق است. ولی باید توجّه داشت که طبق آیه ۲۷۵ سوره بقره، کسانی که در زمان جاهلیّت اموالی از طریق رباخواری جمع آوری کرده بودند و پس از نزول آیه خودداری از ادامه رباخواری نمودند، اموال گذشته بر

آنها حلال شده است یعنی این قانون شامل گذشته نمی‌شده، ولی مسلّم است که این مال در عین حلال بودن با اموال دیگر فرق داشت و در حقیقت شبیه اموالی بود که از طرق مکروه به دست بیاید.

چگونه اموالی را باید انفاق کرد؟

در این آیه چگونگی مالی که باید انفاق شود تشریح می‌گردد. در جمله اوّل آیه، خداوند به مردم با ایمان دستور می‌دهد که از «طیّبات» اموال خود انفاق کنند؛ می‌دانیم «طیّب» در لغت به معنی پاکیزه است و «طیّبات» جمع آن است و همان‌طور که به پاکیزگی ظاهری و مادّی گفته می‌شود به پاکیزگی معنوی و باطنی نیز اطلاق می‌گردد؛ یعنی، اموالی که هم خوب و مفید و اسلام و کمک‌های مردمی، ص: ۸۱ ارزنده باشد و هم خالی از هرگونه شبهه و آلودگی به حرام. شأن نزولهایی که در بالا ـ ذکر شد عمومیّت معنی آیه را نیز تأیید می‌کند. وجمله «لَسْتُم بِآخِذِيهِ إِلَّا أَن تُغْمِضُواْ فِيهِ؛ خودتان حاضر نیستید اموال غیر طیّب را قبول کنید مگر با اغماض و کراهت» دلیل بر این نیست که منظور منحصراً پاکی ظاهری است، زیرا افراد با ایمان هم حاضر نیستند اموالی که از نظر ظاهری آلوده و یا بی‌ارزش باشد، بپذیرند و هم اموال شبهه‌ناک را مگر با چشم‌پوشی و کراهت. جمله «مَاكَسَبْتُمْ؛ آنچه به دست آورده‌اید» اشاره به درآمدهای تجاری است؛ و جمله «مِمَّآ أَخْرَجْنَا ...» اشاره به درآمدهای «زراعی» و «معادن و منابع زیرزمینی» است. بنابراین، تمام انواع درآمدها را شامل می‌شود، زیرا سرچشمه تمام اموالی که انسان دارد زمین و منابع گوناگون آن است و حتّی صنایع و تجارات و دامداری و مانند آن نیز از آن مایه می‌گیرد. ضمناً این جمله اشاره لطیفی دارد به این که تمام منابع را ما در اختیار شما گذاشتیم، بنابراین نباید از انفاق کردن قسمتی از آن در راه خدا مضایقه داشته باشید. سپس می‌فرماید: «وَلَاتَيَمَّمُواْ ا لْخَبِيثَ مِنْهُ تُنْفِقُونَ وَلَسْتُم بِآخِذِيهِ إِلَّا أَن تُغْمِضُواْ فِيهِ» از آنجا که بعضی از مردم عادت کرده‌اند همیشه از اموال کم ارزش و آنچه تقریباً از مصرف افتاده و قابل استفاده خودشان نیست انفاق کنند، و این گونه انفاقها، نه موجب تربیت معنوی و پرورش روح انسانی در اسلام و کمک‌های مردمی، ص: ۸۲ انفاق‌کننده است و نه سود چندانی به حال نیازمندان دارد، بلکه گاه یک نوع اهانت و تحقیر نسبت به آنها نیز محسوب می‌شود. این جمله، صریحاً مردم را از این کار نهی می‌کند و می‌گوید: چگونه از این گونه اموال انفاق می‌کنید در حالی که خودتان حاضر به پذیرش آن نیستید، مگر با کراهت، آیا باید برادران مسلمان شما، و از آن بالاتر، خدایی که در راه او انفاق می‌کنید، در نظر شما از خودتان کمتر باشند! و در حقیقت، آیه به نکته دقیقی اشاره می‌کند و آن این که انفاقهایی که در راه خدا می‌شود یک طرف آن مستمندان هستند، و طرف دیگر خدایی است که به خاطر او انفاق انجام می‌گیرد؛ در این حال، اگر اموال پست و کم ارزش انتخاب شود از یک سو توهین به مقام قدس پروردگار محسوب می‌شود که او را شایسته اجناس «طیّب» نشمرده، و از سوی دیگر تحقیری است نسبت به نیازمندانی که ممکن است علی رغم تهیدستی مقام والایی از نظر ایمان و انسانیّت داشته باشند و روح آنها بر اثر چنین انفاقی آزرده گردد. در ضمن باید توجّه داشت که جمله «لا تیمّموا؛ قصد نکنید» ممکن است اشاره به این باشد که اگر در لابه‌لای اموالی که انسان انفاق می‌کند بدون توجّه چیز نامرغوبی باشد مشمول این سخن نیست بلکه این سخن درباره آنها است که عمداً اقدام به چنین کاری می‌کنند. و در پایان آیه می‌فرماید: «وَاعْلَمُواْ أَنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ حَمِيدٌ؛ بدانید خداوند بی‌نیاز و شایسته ستایش است.» اشاره به این که توجّه داشته باشید که در راه خداوندی انفاق می‌کنید که اسلام و کمک‌های مردمی، ص: ۸۳ نیازی به انفاق شما ندارد و ستایش شایسته او است که این همه نعمتها را در اختیار شما گذارده! این احتمال نیز وجود دارد که «حمید» به معنی «ستایش‌کننده» باشد؛ یعنی، از شما در عین بی‌نیازی نسبت به انفاقهایتان ستایش به عمل می‌آورد و پاداش می‌دهد؛ بنابراین، بکوشید از اموال پاکیزه انفاق کنید. اسلام و کمک‌های مردمی، ص: ۸۵

۱۴ انفاق به صورتهای گوناگون

الَّذِینَ یُنْفِقُونَ أَمْوَا لَهُم بِاللَّیْلِ وَالنَّهَارِ سِرًّا وَعَلَانِیَةً فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِندَ رَبّهِمْ وَلَاخَوْفٌ عَلَیْهِمْ وَلَاهُمْ یَحْزَنُونَ آنها که اموال خودرا به هنگام شب و روز، پنهان و آشکار، انفاق می‌کننـد مزدشان نزد پروردگارشان است، و نه ترسـی بر آنهاست، و نه غمگین می‌شوند. «سوره بقره، آیه ۲۷۴» توضیح در احادیث بسیاری آمده است که این آیه درباره علی علیه السلام نازل شده است؛ زیرا آن حضرت درهمی در شب، و درهمی در روز و درهمی آشکارا و درهمی در نهان انفاق کرد؛ ولی قرآن آن را به صورت حکم کلّی درباره چگونگی و طرز انفاق و کیفیّات مختلف آن ذکر کرده است، و وظیفه انفاق‌کنندگان را مشخّص می‌سازد که باید از نظر آشکار بودن و پنهان بودن مراعـات جنبه‌هـای اخلاقی و اجتمـاعی و حـفظ آبروی کسـی را که به او انفاق می‌کننـد، بنماینـد؛ یعنی، در آنجا که انفاق به نیازمندان موجبی اسـلام و کمک‌های مردمی، ص: ۸۶ برای اظهـار نـدارد، به منظور حفظ آبروی آنها و خلوص بیشتر به طور مخفی انفاق کنند، و در آنجا که پای مصالح دیگری (همانند تعظیم شعائر مذهبی و تشویق و ترغیب دگران) در کار باشد، و موجب هتک احترام مسلمانی نگردد، آشکار انفاق کنند. خداوند به چنین افرادی مژده اجر و پاداش شایسته می‌دهد، می‌فرماید: «فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِندَ رَبّهِمْ وَلَاخَوْفٌ عَلَیْهِمْ وَلَاهُمْ یَحْزَنُونَ؛ اجر و پاداش آنها در نزد خداست، و برای آنها وحشت و خوف و اندوه نیست.» می‌دانیم انسان چون برای ادامه و اداره زنـدگی خویش خودرا بی‌نیاز از مال و ثروت نمی‌دانـد، معمولًا هنگامی‌که آن را از دست می‌دهد نسـبت به گذشـته انـدوهناک می‌گردد و برای آینـده خود نیز نگران می‌شود، زیرا نمی‌داند در آینده وضع او چگونه خواهد بود. همین امر در بسیاری از مواقع مانع انفاق است، مگر آنها که از یک سو به وعده‌های الهی ایمان داشته باشند، و از سوی دیگر آثار اجتماعی انفاق را بداننـد؛ چنین افرادی از انفاق در راه خـدا، نه خوف و وحشتی از آینـده دارنـد و نه به سـبب از دست دادن قسـمتی از ثروت خود اندوهگین می‌شوند، زیرا می‌دانند در مقابل چیزی که از دست داده‌اند، بیشتر از آن از فضل پروردگار و از برکات فردی و اجتماعی و اخلاقی آن، در این جهان و آن جهان بهره‌مند خواهند شد. اسلام و کمک‌های مردمی، ص: ۸۷

۱۵ انفاق از همه چیز و به هر صورت

قُل لّعِبَادِیَ الَّذِینَ ءَامَنُواْ یُقِیمُواْ الصَّلَو ةَ وَیُنْفِقُواْ مِمَّا رَزَقْنهُمْ سِرًّا وَعَلَانِیَةً مّن قَبْلِ أن یَأْتِیَ یَوْمٌ لَّابَیْعٌ فِیهِ وَلَاخِلَلٌ بگو به بنـدگان من که ایمان آورده‌انـد، نماز را بر پا دارند و از آنچه به آنها روزی داده‌ایم پنهان و آشـکار انفاق کنند پیش از آن که روزی فرارسد که نه در آن خرید و فروش است و نه دوستی (نه با مال می‌توانند از چنگال کیفر خدا رهایی یابند و نه با پیوندهای مادّی). «سوره ابراهیم، آیه ۳۱» توضیـح نخست می‌گویـد: «به بندگان من که ایمان آورده‌اند بگو: نماز را بر پای دارند و از آنچه به آنها روزی داده‌ایم در پنهان و آشـکار انفاق کننـد (قُل لّعِبَادِیَ الَّذِینَ ءَامَنُواْ یُقِیمُواْ الصَّلَو ةَ وَیُنْفِقُواْ مِمَّا رَزَقْنهُمْ سِرًّا وَعَلَانِیَةً).» سـپس می‌افزاید: «پیش از آن که روزی فرا رسد که نه در آن روز خرید و اسـلام و کمک‌های مردمی، ص: ۸۸ فروش در کار است تا بتوان از این راه سـعادت و نجـات از عـذاب را برای خود خریـد، و نه دوستی به درد می‌خورد. (مّن قَبْلِ أن یَّأْتِیَ یَوْمٌ لَّابَیْعٌ فِیهِ وَلَاخِلَلٌ).» آری، در آنجـا بازار عمـل کسـاد است و خریـد و فروش نیست تنهـا زاد و توشه‌هـای از قبـل تهیّه شـده به کار می‌آیـد، و هر کس در گرو اعمال خویش است. بهترین زاد و توشه برای آن روز همین کمک‌های مردمی و انفاق به نیازمندان است. اسلام و کمک‌های مردمی، ص: ۸۹

۱۶ انفاق پنهانی بهتر است

إِن تُبْدُواْ الصَّدَقَاتِ فَنِعِمَّا هِیَ وَإِنْ تُخْفُوهَا وَتُؤْتُوهَا ا لْفُقَرَآءَ فَهُوَ خَیْرٌ لَّکُمْ وَیُکَفّرُ عَنْکُم مّن سَیّاتِکُمْ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِیرٌ اگر انفاقها را آشـکار کنیـد خـوب اسـت، و اگر آنهـا را مخفی سـاخته بـه نیازمنـدان بدهیـد برای شـما بهـتر است و قسـمتی از گناهـان شـما را می‌پوشاند (و در پرتو بخشـش در راه خدا بخشوده خواهید شد) و خداوند به آنچه انجام می‌دهید آگاه است. «سوره بقره، آیه ۲۷۱» توضیـح تردیـد نیست که انفاق در راه خـدا چه علنی و آشـکار باشـد چه پنهان، هر کدام اثر مفیدی دارد؛ زیرا هنگامی که انسان به

طور آشکار و علنی مال خود را در راه خدا انفاق می‌کند اگر انفاق واجب باشد گذشته از این که مردم تشویق به این‌گونه کارهای نیک می‌شوند، رفع این تهمت نیز از انسان می‌گردد که به وظیفه واجب خود عمل نکرده است. اسلام و کمک‌های مردمی، ص: ۹۰ و اگر انفاق مستحب باشد در حقیقت یک نحوه تبلیغ عملی است که مردم را به کارهای خیر، و حمایت از محرومان و انجام کارهای عام‌المنفعه تشویق می‌کند. و چنانچه انفاق به طور مخفی، و دور از انظار مردم انجام شود، ریا و خودنمایی در آن کمتر است، و خلوص بیشتری در آن خواهد بود، مخصوصاً درباره کمک به محرومان، آبروی آنها بهتر حفظ می‌شود؛ و لذا، آیه فوق می‌گوید: «هر دو خوب است ولی انفاق پنهانی بهتر است.» بعضی از مفسّران گفته‌اند این دستور تنها درباره انفاقهای مستحبّی است، و انفاقهای واجب از قبیل زکات و مانند آن بهتر است همیشه آشکار و علنی باشد. ولی مسلّم است که هیچ یک از این دو دستور (اظهار و اخفای انفاق) جنبه عمومی و همگانی ندارد، بلکه موارد، مختلف است؛ در پاره‌ای از موارد که اثر تشویقی آن بیشتر است و لطمه‌ای به اخلاص نمی‌زند، بهتر است اظهار گردد، و در مواردی که افراد آبرومندی هستند که حفظ آبروی آنها ایجاب می‌کند انفاق به صورت مخفی انجام گیرد و بیم ریاکاری و عدم اخلاص می‌رود، مخفی ساختن آن بهتر خواهد بود. در بعضی از احادیث تصریح شده که انفاقهای واجب بهتر است اظهار گردد، و امّا انفاقهای مستحب بهتر است مخفیانه انجام گیرد. از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود: «زکات واجب را به طور آشکار از مال جدا کنید و به طور آشکار انفاق نمایید، امّا انفاقها مستحب اگر مخفی باشد بهتر است.» اسلام و کمک‌های مردمی، ص: ۹۱ این احادیث با آنچه در بالا گفتیم منافات ندارد، زیرا انجام وظایف واجب کمتر آمیخته به ریا می‌شود، چون وظیفه‌ای است که در محیط اسلامی هر کس باید آن را انجام دهد و همچون یک مالیات قطعی است که باید همه بپردازند؛ بنابراین، اظهار آن بهتر است، واما انفاقهای مستحبّی چون جنبه الزامی ندارد ممکن است اظهار آن لطمه به خلوص نیّت بزند، اخفای آن شایسته‌تر می‌باشد. «وَيُكَفِّرُ عَنكُم مِّن سَيِّئَاتِكُمْ»- از این جمله استفاده می‌شود که انفاق در راه خدا در آمرزش گناهان اثر عمیق دارد؛ زیرا بعد از دستور انفاق در این جمله می‌فرماید: «و گناهان شما را می‌پوشاند.» البتّه مفهوم این سخن آن نیست که بر اثر انفاق کوچکی همه گناهان بخشوده خواهد شد، بلکه با توجّه به کلمه «مِن» که معمولًا برای «تبعیض» به کار می‌رود، استفاده می‌شود که انفاق بخشی از گناهان را می‌پوشاند. روشن است که آن بخش بستگی به (مقدار انفاق) و میزان اخلاص دارد. درباره این که انفاق سبب آمرزش می‌شود روایات فراوانی از طرق اهل بیت واهل تسنّن وارد شده است، از جمله در حدیثی آمده است: «انفاق نهانی خشم خدا را فرو می‌نشاند، و همان‌گونه که آب آتش را خاموش می‌کند، گناه انسان را از بین می‌برد!» و نیز در روایتی آمده است: «هفت کس هستند که خداوند آنها را در سایه لطف خود قرار می‌دهد، در روزی که سایه‌ای جز سایه او نیست: پیشوای دادگر؛ جوانی که در بندگی پروردگار پرورش می‌یابد؛ کسی که قلب او با مسجد پیوسته است؛ کسانی که یکدیگر را برای خدا دوست اسلام و کمک‌های مردمی، ص: ۹۲ دارند و با محبّت گرد هم آیند و با محبّت متفرّق می‌شوند؛ کسی که زن زیبای صاحب مقامی او را به گناه دعوت کند و او بگوید من از خدا می‌ترسم؛ کسی که انفاق نهانی می‌کند به‌طوری که دست راست او از انفاقی که دست چپ او کرده آگاه نمی‌گردد؛ و کسی که در تنهایی به یاد خدا می‌افتد و قطره اشکی از گوشه‌های چشم او سرازیر می‌شود.» «وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ»- معنی این جمله این است که خدا عالم است به آنچه انفاق می‌کند، چه آشکار باشد و چه مخفی؛ و همچنین از نیّات شما آگاه است که اظهار و اخفای انفاق را به چه منظور و هدفی انجام می‌دهید. در هر حال، آنچه در انفاق بسیار مهم است، نیّت پاک و خلوص در عمل است؛ دانستن و ندانستن مردم اثری ندارد؛ و آنچه مهم است علم خداست، چرا که اوست که جزای اعمال انسان را می‌دهد و از نهان و آشکار آگاه است.

بخش سوم به چه کسانی انفاق کنیم و چگونه انفاق کنیم

۱۷ چگونه و به چه کسانی انفاق کنیم؟

اشاره

وَءَات ذَا ا لْقُرْبَی حَقَّهُ وَا لْمِسْکِینَ وَابْنَ السَّبِیلِ وَلَاتُبَذِّرْ تَبْذِیرًا و حقّ نزدیکـان را بپرداز و (همچنین) مسـتمند و وامانـده در راه را، و هرگز تبـذیر مکن. «سوره اسـراء، آیه ۲۶» إِنَّ ا لْمُبَذِّرِینَ کَانُواْ إِخْوَا نَ الشَّیَاطِینِ وَکَانَ الشَّیْطَانُ لِرَبِّهِ کَفُورًا چرا که تبذیرکننـدگان برادران شـیاطینند، و شـیطان کفران (نعمتهـای) پروردگارش را کرد. «سوره اسـراء، آیه ۲۷» وَلَا تَجْعَلْ یَدَکَ مَغْلُولَهً إِلَی عُنُقِکَ وَلَا تَبْسُطْهَا کُلَّ ا لْبَسْطِ فَتَقْعُدَ مَلُومًا مَّحْسُورًا هرگز دسـتت را بر گردنت زنجیر مکن (و ترک انفاق و بخشـش منما) و بیش از حد آن را مگشا، مبادا مورد سرزنش قرار گیری و از کار فرومانی. «سوره اسراء، آیه ۲۹» اسلام و کمک‌های مردمی، ص: ۹۶ توضیح رعایت اعتدال در انفاق در این آیات، فصل دیگری از سلسـله احکام اصولی اسلام در رابطه با انفاق و ادای حقّ خویشاوندان و مستمندان و در راه مانـدگان، و همچنین دور بودن انفاق از هرگونه اسـراف و تبذیر بیان شده است. نخست می‌گوید: «حقّ ذی‌القربی و نزدیکان را به آنها بده (وَءَات ذَا ا لْقُرْبَی حَقَّهُ)!» همچنین «مسـتمندان و در راه ماندگان (وَا لْمِسْکِینَ وَابْنَ السَّبِیلِ)!» در عین حال «هرگز دست به تبـذیر نیالای (وَلَاتُبَذِّرْ تَبْذِیرًا)!» «تبـذیر» در اصل از مادّه «بـذر» به معنی پاشـیدن دانه می‌آیـد؛ منتها، این کلمه مخصوص مواردی است که انسان اموال خودرا به صورت غیر منطقی و نادرست مصـرف می‌کند و معادل آن در فارسـی امروز «ریخت وپاش» است. و به تعبیر دیگر، تبـذیر آن است که مال در غیر موردش مصـرف شود، هر چنـد کم باشد؛ و اگر در موردش صـرف شود تبذیر نیسـت ولی اگر بیش از حـد باشد «اسـراف» است. چنانکه در «تفسیر عیّاشـی» از امام صادق علیه السـلام می‌خوانیم: که در ذیل این آیه در پاسـخ سؤال کننـده‌ای فرمود: «من انفق شـیئاً فی غیر طاعـهٔ اللَّه فهو مبـذّر ومن انفق فی سبیـل اللَّه فهو مقتصـد؛ کسـی که در غیر راه اطاعت فرمان خـدا مالی انفاق کند، تبذیرکننده است و کسـی که در راه خدا انفاق کند میانه‌رو است.» اسـلام و کمک‌های مردمی، ص: ۹۷ و نیز از آن حضـرت نقل شده که روزی دسـتور داد برای پذیرایی از حاضـران رطب بیاورند، بعضـی رطب را می‌خوردند و هسته آن را به دور می‌افکندند، فرمود: «این کار را نکنید که این تبذیر است و خدا فساد را دوست نمی‌دارد!» دقّت در مسأله اسراف و تبـذیر تـا آن حـد است که در حـدیثی می‌خوانیم: پیـامبر صـلی الله علیه و آله از راهی عبور می‌کرد، یکی از یارانش به نام «سـعد» مشغول وضو گرفتن بود، و آب زیاد می‌ریخت، فرمود: چرا اسراف می‌کنی ای سعد! عرض کرد: آیا در آب وضو نیز اسراف است؟ فرمـود: نعـم وإن کنـت علی نهر جـار (آری، هر چنـد در کنـار نهر جـاری باشـی!) در این که منظـور از «ذی القربی» در این‌جـا همه خویشاوندان است یا خصوص خویشاوندان پیامبر صلی الله علیه و آله (زیرا مخاطب در آیه، او است)، در میان مفسّران گفتگو است. در احادیث متعدّدی این آیه به ذوی القربای پیامبر صلی الله علیه و آله تفسیر شده و حتّی در بعضی از این روایات می‌خوانیم که آیه ناظر به بخشـیدن سـرزمین فدک به فاطمه زهرا علیها السـلام است. ولی همان‌گونه که بارها گفته‌ایم این‌گونه تفسـیرها مفهوم وسـیع آیات را محـدود نمی‌کنـد، و در واقع بیان مصـداق روشن و واضح آن است. بنابراین، خطاب به پیامبر صـلی الله علیه و آله در جمله «وآت» دلیل بر اختصاص این حکم به او نیست، زیرا سایر احکامی که در این سلسـله آیات وارد شـده، ماننـد نهی از تبذیر، یا مدارا کردن بـا سائـل و مسـتمند و یـا نهی از بخـل و اسـراف، همه به صورت خطاب به پیامبر صـلی الله علیه و آله ذکر شـده، در حالی که می‌دانیم اسـلام و کمک‌های مردمی، ص: ۹۸ این احکـام جنبه اختصاصـی نـدارد و مفهوم آن کاملًا عام است. توجّه به این نکته نیز لازم است که نهی از تبـذیر بعـد از دسـتور ادای حقّ خویشاونـدان و مسـتمندان و ابن‌السّبیـل، اشاره به این است که مبادا تحت تأثیر عواطف خویشاوندی و یا عاطفه نوع‌دوستی در مقابل مسـکین و ابن‌السّبیل قرار بگیرید و بیش از حد استحقاقشان به آنها انفاق کنید و راه اسـراف را بپوییـد که اسـراف و تبـذیر در همه جا نکوهیـده است. آیه بعـد به منزله اسـتدلال و تأکیـدی بر نهی از تبذیر است، می‌فرمایـد: «تبذیرکننـدگان برادران شـیاطین هسـتند!» آری، آنهـا برادران شـیطانند، چرا کـه کـار شـیطان فسـاد و تباهی است؛ تبذیرکننـدگان هم نعمتهای خـدا را بیهوده تباه می‌سازند. بنابراین، آنها که غذای اضافی درست می‌کنند و دور می‌ریزند، و آنها که

برای خودنمایی غذای بیست نفر را مثلًا برای پنج نفر میهمان مهیّا می‌کنند و اضافات را ضایع می‌کنند، و آنها که شنیده شده در کشورهای خارج برای بالا ـ نگه‌داشتن نرخ فرآورده‌های زراعتی و دامی مثلًا مقادیر زیادی گندم و کره را به دریا می‌ریزند، همه برادران شیطانند؛ بلکه بسیاری از آنان خود شیطانند! در آیه بعد تأکید می‌کند نه بخل نه اسراف؛ می‌فرماید: «دست خودرا بر گردن خویش بسته قرار مده (وَلَا تَجْعَلْ یَدَکَ مَغْلُولَةً إِلَی عُنُقِکَ)!» این تعبیر، کنایه لطیفی است از این‌که دست دهنده داشته باش و همچون بخیلان که گویی دستهایشان به گردنشان با غل و زنجیر بسته است و قادر به کمک و انفاق نیستند، مباش! اسلام و کمک‌های مردمی، ص: ۹۹ از سویی دیگر، دست خود را فوق‌العاده گشاده مدار و بذل و بخشش بی‌حساب مکن که سبب شود از کار بمانی، و مورد ملامت این و آن قرار گیری و از مردم جدا شوی (وَلَا تَبْسُطْهَا کُلَّ الْبَسْطِ فَتَقْعُدَ مَلُومًا مَّحْسُورًا)! همان‌گونه که «بسته بودن دست به گردن» کنایه از بخل است، گشودن دستها به طور کامل آن چنان که از جمله «ولا تبسطها کلّ البسط» استفاده می‌شود، کنایه از بذل و بخشش بی‌حساب است. و جمله «تقعد» که از مادّه «قعود» به معنی نشستن است کنایه از توقّف و از کار افتادن می‌باشد. تعبیر به «ملوم» اشاره به این است که گاه بذل و بخشش زیاد نه تنها انسان را از فعّالیّت و ضروریّات زندگی باز می‌دارد، بلکه زبان ملامت سرزنش کنندگان را به روی او می‌گشاید. «محسور» از مادّه «حسر» (بر وزن قصر) در اصل معنی برهنه ساختن است؛ به همین جهت «حاسر» به جنگجویی می‌گویند که زره در تن و کلاه خود بر سر نداشته باشد. به حیواناتی که بر اثر کثرت راه رفتن خسته و وامانده می‌شوند، کلمه «حسیر» و «حاسر» اطلاق شده است، گویی تمام گوشت تن آنها یا تمام قدرت و نیرویشان کنار می‌رود و برهنه می‌شوند! و بعداً، این مفهوم توسعه یافته، به هر شخص خسته و وامانده که از رسیدن به مقصد عاجز است «محسور» یا «حاسر» گفته می‌شده است. به هر حال، هرگاه انفاق و بخشش از حد بگذرد و تمام توان و نیروی انسان جذب آن گردد، طبیعی است که انسان از ادامه کار و فعّالیّت و سامان اسلام و کمک‌های مردمی، ص: ۱۰۰ دادن به زندگی خود وامی‌ماند و طبعاً ارتباط و پیوند او با مردم نیز قطع خواهد شد. در بعضی از روایات که در شأن نزول این آیه نقل شده، این مطلب به وضوح دیده می‌شود. در روایتی می‌خوانیم: پیامبر صلی الله علیه و آله در خانه بود، سؤال کننده‌ای بر در خانه آمد، چون چیزی برای بخشش آماده نبود، و او تقاضای پیراهن کرد، پیامبر صلی الله علیه و آله پیراهن خودرا به او داد، و همین امر سبب شد که آن روز نتواند برای نماز به مسجد برود! این پیش آمد زبان کفّار را باز کرد و گفتند: محمّد صلی الله علیه و آله خواب مانده یا مشغول سرگرمی است و نمازش را به دست فراموشی سپرده است! و به این ترتیب، این کار هم ملامت و شماتت دشمن، و هم انقطاع از دوست را در پی داشت، و مصداق «ملوم و محسور» شد؛ آیه فوق نازل گردید و به پیامبر صلی الله علیه و آله هشدار داد که این کار تکرار نشود. در مورد تضادّی که ظاهراً این دستور با مسأله «ایثار» دارد در آینده بحث خواهیم کرد. بعضی نیز نقل کرده‌اند که گاهی پیامبر صلی الله علیه و آله آنچه را در بیت‌المال داشت به نیازمند می‌داد به گونه‌ای که اگر بعداً نیازمندی به سراغ او می‌آمد، چیزی در بساط نداشت و شرمنده می‌شد، و چه بسا شخص نیازمند، زبان به ملامت می‌گشود و خاطر پیامبر صلی الله علیه و آله را آزرده می‌ساخت، لذا دستور داده شد که نه همه آنچه را در بیت‌المال دارد انفاق کند و نه همه را نگاهدارد، تا این گونه مشکلات پیش نیاید.

پاسخ به یک سؤال

در این‌جا این سؤال مطرح می‌شود که اصلًا چرا بعضی از مردم محروم و نیازمند و مسکین باشند که لازم شود ما به آنها انفاق کنیم، آیا بهتر نبود خداوند به آنها هر چه لازم بود می‌داد تا نیازی نداشته باشند که ما به آنها انفاق کنیم؟ آخرین آیه مورد بحث، گویی اشاره به پاسخ همین سؤال است؛ می‌فرماید: «خداوند روزیش را بر هر کس بخواهد گشاده می‌دارد و بر هر کس بخواهد تنگ می‌کند، چرا که او نسبت به بندگان آگاه و بینا است (انّ ربّك يبسط الرّزق لمن يّشاء ويقدر انّه كان بعباده خبيراً بصيراً).» در واقع،

این یک آزمون برای شما است وگرنه برای او همه چیز ممکن است؛ او می‌خواهد به این وسیله شما را تربیت کند، و روح سخاوت و فداکاری و از خود گذشتگی را در شما پرورش دهد. بعلاوه، بعضی از مردم اگر کاملًا بی‌نیاز شوند راه طغیان و سرکشی پیش می‌گیرند، و صلاح آنها این است که در حدّ معیّنی از روزی باشند، حدّی که نه موجب فقر گردد، نه طغیان. از همه اینها گذشته، وسعت و تنگی رزق در افراد انسان (بجز موارد استثنایی یعنی از کار افتادگان و معلولین) بستگی به میزان تلاش و کوشش آنها دارد و این‌که می‌فرماید خدا روزی را برای هر کس بخواهد تنگ و یا گشاده می‌دارد، این خواستن هماهنگ با حکمت او است و حکمتش ایجاب می‌کند که هر کس تلاشش بیشتر باشد، سهمش فزونتر، و هر کس کمتر باشد، محرومتر گردد. اسلام و کمک‌های مردمی، ص: ۱۰۲ بعضی از مفسّران در پیوند این آیه با آیات قبل، احتمال دیگری را پذیرفته‌اند و آن این که آیه اخیر در حکم دلیل برای نهی از افراط و تفریط در انفاق است؛ می‌گوید حتّی خداوند با آن قدرت و توانایی که دارد در بخشش ارزاق حدّ وسط را رعایت می‌کند، نه آنچنان می‌بخشد که به فساد کشیده شوند، و نه آنچنان تنگ می‌گیرد که به زحمت بیفتند، همه اینها برای رعایت حال و صلاح بندگان است. بنابراین، سزاوار است که شما هم به این اخلاق الهی متخلّق شوید، طریق اعتدال در پیش گیرید، و از افراط و تفریط بپرهیزید. «۱» در این جا توجّه شما عزیزان را به چند نکته جلب می‌کنیم:

الف- بلای اسراف و تبذیر

بدون شک، نعمتها و مواهب موجود در کره زمین، برای ساکنانش کافی است، امّا به یک شرط، و آن این‌که بیهوده به هدر داده نشوند، بلکه به صورت صحیح و معقول و دور از هرگونه افراط و تفریط مورد بهره‌برداری قرار گیرد، زیرا این مواهب آن قدر هم زیاد و نامحدود نیست که با بهره‌گیری نادرست، آسیب نپذیرد! به یقین اسراف و تبذیر در منطقه‌ای از زمین باعث محرومیّت در منطقه دیگر می‌شود؛ و یا اسراف و تبذیر انسانهای امروز باعث محرومیّت نسلهای آینده می‌گردد؛ این مطلب در یک جامعه واضح‌تر است. آن روز که ارقام و آمار، همچون امروز دست انسانها نبود، اسلام هشدار اسلام و کمک‌های مردمی، ص: ۱۰۳ داد که در بهره‌گیری از مواهب خدا در زمین، اسراف و تبذیر روا مدارید! به گونه‌ای که قرآن در آیات فراوانی شدیداً مسرفان را محکوم کرده است: در جایی می‌گوید: اسراف نکنید که خدا، مسرفان را دوست ندارد (ولا تسرفوا انّه لا یحبّ المسرفین «۱»). در مورد دیگر، مسرفان را اصحاب دوزخ می‌شمرد (انّ المسرفین هم أصحاب النّار «۲»). و از اطاعت فرمان مسرفان، نهی می‌کند (ولا تطیعوا امر المسرفین «۳»). و مجازات الهی را در انتظار مسرفان می‌شمرد (مسوّمة عند ربّک للمسرفین «۴»). و اسراف را یک برنامه فرعونی قلمداد می‌کند (وانّ فرعون لعال فی الأرض وانّه لمن المسرفین «۵»). و مسرفان دروغگو را محروم از هدایت الهی می‌شمرد (انّ اللّه لا یهدی مَنْ هو مسرف کذّاب «۶»). و سرانجام سرنوشت آنها را هلاکت و نابودی می‌داند (واهلکنا المسرفین «۷»). اسلام و کمک‌های مردمی، ص: ۱۰۴ همان‌گونه که دیدیم، آیات مورد بحث نیز تبذیر کنندگان‌را برادران شیطان و قرین آنها می‌شمرد. اکنون ببینیم اسراف چیست؟ «اسراف» به معنی وسیع کلمه، هر گونه تجاوز از حد در هر کاری است که انسان انجام می‌دهد، ولی غالباً این کلمه در مورد هزینه‌ها و خرجها گفته می‌شود. از آیات قرآن بخوبی استفاده می‌شود که اسراف نقطه مقابل سختگیری است آنجا که می‌فرماید: «والّذین إذا انفقوا لم یسرفوا ولم یقتروا وکان بین ذلک قواماً «۱» ؛ کسانی که به هنگام انفاق نه اسراف می‌کنند و نه سختگیری، بلکه در میان این دو، حدّ اعتدال و میانه را می‌گیرند.»

ب- فرق میان اسراف و تبذیر

در این که میان اسراف و تبذیر چه تفاوتی است، بحث روشنی در این زمینه از مفسّران ندیده‌ایم، ولی با در نظر گرفتن ریشه این دو لغت، چنین به نظر می‌رسد که وقتی این دو در مقابل هم قرار گیرند، اسراف به معنی خارج شدن از حدّ اعتدال است بی آنکه

چیزی را ظاهراً ضایع کرده باشد، مثل این که ما لباس گران قیمتی بپوشیم که بهایش ده برابر لباس مورد نیاز ما باشد، و یا غذای خود را آن چنان گران قیمت تهیّه کنیم که با قیمت آن بتوان عدّه زیادی را تغذیه کرد؛ در این جا از حد گذرانده‌ایم ولی ظاهراً چیزی نابود نشده است. اسلام و کمک‌های مردمی، ص: ۱۰۵ امّا «تبذیر» و «ریخت و پاش» آن است که آن‌چنان مصرف کنیم که به اتلاف و تضییع بینجامد؛ مثل این که برای دو نفر میهمان غذای ده نفر را تهیّه ببینیم، و باقی مانده را در زباله‌دان بریزیم و اتلاف کنیم آن گونه که بعضی از ثروتمندان می‌کنند. ولی ناگفته نماند که گاه این دو کلمه در یک معنی به کار می‌رود و حتّی به عنوان تأکید پشت سر یکدیگر قرار می‌گیرند. علی علیه السلام طبق آن چه در نهج البلاغه نقل شده، می‌فرماید: ألا و أنّ إعطاء المال فی غیر حقّه تبذیر و اسراف و هو یرفع صاحبه فی الدّنیا ویضعه فی الآخرة ویکرمه فی النّاس ویهینه عنداللّه «۱» آگاه باشید مال را در غیر مورد استحقاق صرف کردن تبذیر و اسراف است، ممکن است این عمل انسان را در دنیا بلند مرتبه کند امّا مسلّماً در آخرت پست و حقیر خواهد کرد؛ در نظر توده مردم ممکن است سبب اکرام گردد، اما در پیشگاه خدا موجب سقوط مقام انسان خواهد شد. در شرح آیات مورد بحث خواندیم که در دستورهای اسلامی آن قدر روی نفی اسراف و تبذیر تأکید شده که حتّی از زیاد ریختن آب برای وضو ولو در کنار نهر آب باشد، نهی فرموده‌اند، و نیز امام صادق علیه السلام از دور افکندن هسته خرما نهی می‌فرماید. گروهی از اندیشمندان در دنیای امروز که احساس مضیقه در پاره‌ای از مواد می‌شود سخت به این موضوع توجّه کرده‌اند تا آن‌جا که از همه چیز اسلام و کمک‌های مردمی، ص: ۱۰۶ استفاده می‌کنند، از زباله بهترین کود می‌سازند، و از تفاله‌ها، وسائل مورد نیاز، و حتّی از فاضلابها پس از تصفیه کردن، آب قابل استفاده برای زراعت درست می‌کنند، چرا که احساس کرده‌اند موادّ موجود در طبیعت نامحدود نیست که به آسانی بتوان از آنها صرف نظر کرد، باید از همه به صورت (دورانی) بهره‌گیری نمود. آیا با این حال اسراف و تبذیر صحیح است؟

ج- آیا میانه‌روی در انفاق با ایثار تضاد دارد؟!

با در نظر گرفتن آیات فوق که دستور به «رعایت اعتدال در انفاق» می‌دهد، این سؤال پیش می‌آید که در سوره «دهر» و آیات دیگر قرآن و همچنین روایات، ستایش ایثارگران را می‌خوانیم که حتّی در نهایت سختی از خود می‌گیرند و به دیگران می‌دهند، این دو چگونه با هم سازگار است؟ دقّت در شأن نزول آیات فوق، و همچنین قرائن دیگر، پاسخ این سؤال را روشن می‌سازد و آن این که: دستور به رعایت اعتدال در جایی است که بخشش فراوان سبب نابسامانیهای فوق‌العاده در زندگی خود انسان گردد، و به اصطلاح «ملوم و محسور» شود؛ و یا ایثار سبب ناراحتی و فشار بر فرزندان او گردد و نظام خانوادگی‌اش را به خطر افکند؛ ولی هرگاه هیچ‌یک از اینها تحقّق نیابد، مسلّماً ایثار کار بسیار خوبی است. از این گذشته، رعایت اعتدال یک حکم عام است و ایثار یک حکم خاص که مربوط به موارد معیّنی است و این دو حکم با هم تضادّی ندارند. (دقّت کنید).

۱۸ بهترین مورد انفاق

لِلْفُقَرَآءِ الَّذِینَ أُحْصِرُواْ فِی سَبِیلِ اللَّهِ لَایَسْتَطِیعُونَ ضَرْبًا فِی الْأَرْضِ یَحْسَبُهُمُ ا لْجَاهِلُ أَغْنِیَآءَ مِنَ التَّعَفُّفِ تَعْرِفُهُم بِسِیمَاهُمْ لَایَسْئَلُونَ النَّاسَ إِلْحَافًا وَمَا تُنْفِقُواْ مِنْ خَیْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِیمٌ (انفاق شما مخصوصاً باید) برای نیازمندانی باشد که در راه خدا محصور شده‌اند (و توجّه به آیین خدا آنها را از وطنهای خویش آواره ساخته و شرکت در میدان جهاد به آنها اجازه نمی‌دهد که برای تأمین هزینه زندگی دست به کاری زنند)، نمی‌توانند مسافرتی کنند (و سرمایه‌ای به دست آورند) و چنان هستند که از شدّت خویشتنداری، افراد بی‌اطّلاع آنها را غنی می‌پندارند، ولی آنها را از چهره‌هایشان می‌توانی بشناسی، آنها هرگز با اصرار چیزی از مردم نمی‌خواهند (این است ویژگیهای این افراد آبرومند) و هر چیز خوبی در راه خدا انفاق کنید خداوند از آن آگاه است. «سوره بقره، آیه ۲۷۳»

اسلام و کمک‌های مردمی، ص: ۱۰۸ توضیح در شأن نزول این آیه از امام باقر علیه السلام چنین نقل شده است که این آیه در باره اصحاب (صُفّه) نازل شده است (اصحاب صفّه حدود چهارصد نفر از مسلمانان مکّه و اطراف مدینه بودند که نه خانه‌ای در مدینه داشتند و نه خویشاوندانی که به منزل آنها بروند، از این جهت در مسجد پیامبر صلی الله علیه و آله مسکن گزیده بودند، و آمادگی خودرا برای شرکت در میدانهای جهاد اعلام می‌داشتند)، ولی چون اقامت آنها در مسجد با شؤون مسجد سازگار نبود دستور داده شد به «صفّه» (سکّوی بزرگ و وسیع) که در کنار مسجد قرار داشت منتقل شوند، آیه فوق نازل شد و به مردم دستور داد که کمکهای ممکن خودرا از این دسته از برادران دینی دریغ ندارند، آنها هم چنین کردند. در این آیه، خدا بهترین موارد انفاق را بیان می‌کند و آن در مورد کسانی است که دارای این صفات باشند: ۱- «الَّذِینَ أُحْصِرُواْ فِی سَبِیلِ اللَّهِ»- یعنی، کسانی که اشتغال به کارهای مهمّی از قبیل جهاد و نبرد با دشمن و فراگرفتن علوم دین، مانع از تحصیل هزینه زندگی برای آنها شده است، همچون اصحاب صفّه که مصداق روشن این موضوع بودند. ۲- «لَایَسْتَطِیعُونَ ضَرْبًا فِی الْأَرْضِ»- آنها نمی‌توانند مسافرت کنند و برای کسب هزینه زندگی به شهرها و سرزمینهایی که نعمتهای الهی در آنجا فراوان است، بروند؛ بنابراین، کسانی که می‌توانند تأمین زندگی کنند باید مشقّت و رنج سفر را تحمّل کنند، و هرگز از انفاق و دسترنج دگران استفاده نکنند، مگر این که کار مهمتری همچون جهاد که ضرورت برای مسلمین اسلام و کمک‌های مردمی، ص: ۱۰۹ دارد و مورد رضای خداست مانع از مسافرت آنها شود. ۳- «یَحْسَبُهُمُ الْجَاهِلُ أَغْنِیَآءَ مِنَ التَّعَفُّفِ»- کسانی که از حال آنها اطّلاعی ندارند به سبب خویشتنداری و عفّت نفس آنها گمان می‌کنند غنی و بی‌نیازند. ۴- «تَعْرِفُهُم بِسِیمَاهُمْ؛ آنها را از سیمایشان می‌شناسی.»- سیما در لغت به معنی «علامت و نشانه» است، یعنی گر چه آنها سخنی از حال خود نمی‌گویند، ولی در چهره‌های آنها نشانه‌هایی از رنجهای درونی وجود دارد که برای افراد فهمیده آشکار است، آری «رنگ رخساره خبر می‌دهد از سرّ درون»! ۵- «لَایَسْئَلُونَ النَّاسَ إِلْحَافًا»- آنها هرگز بسان فقرای عادی با اصرار چیزی از مردم نمی‌خواهند؛ اصولًا سؤال نمی‌کنند، چه رسد به این که اصرار در سؤال داشته باشند. اگر قرآن می‌گوید آنها با اصرار سؤال نمی‌کنند، معنی آن این نیست که بدون اصرار سؤال می‌کنند، بلکه معنی‌اش این است که همانند فقرای معمولی نیستند تا سؤال کنند. بنابراین، جمله مزبور با آغاز آیه که می‌گوید آنها از سیما شناخته می‌شوند نه از سؤال، هیچ‌گونه منافاتی ندارد. احتمال دیگری در آیه نیز هست و آن این که در صورتی که اضطرار شدید آنها را مجبور به اظهار حال خود کند هرگز اصرار در سؤال ندارند؛ بلکه نیاز خودرا به شکل محترمانه‌ای به اطّلاع برادران مسلمان خود می‌رسانند. ۶- «وَمَا تُنفِقُواْ مِنْ خَیْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِیمٌ»- این جمله برای تشویق انفاق‌کنندگان است؛ خصوصاً انفاق به افرادی که دارای عزّت نفس و طبع اسلام و کمک‌های مردمی، ص: ۱۱۰ بلند هستند؛ زیرا هنگامی که توجّه داشته باشند که آنچه را در راه خدا انفاق می‌کنند ولو به‌طور مخفی باشد خداوند بر آن آگاه است، و آنها را از ثمرات عملشان بهره‌مند می‌سازد، بیشتر علاقه به این خدمت بزرگ پیدا می‌کنند. متأسّفانه، در هر اجتماعی این گونه افراد نیازمند آبرومند که غالب افراد از رنج درون آنها آگاه نیستند، وجود دارند؛ وظیفه مسلمانان آگاه است که آنها را بیابند و مورد کمک و نوازش قرار دهند که بهترین انفاق همین انفاق است. اولویّتها در روایات اسلامی ۱رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: انّ علی کلّ مسلم فی کلّ یوم صدقهٔ بر هر مسلمانی لازم است در هر روز صدقه‌ای بدهد. بعضی عرض کردند: ای رسول خدا چه کسی توانایی بر این کار دارد؟ فرمود: اماطَتکُ الاذی عن‌الطّریق صدقهٔ؛ کنارزدن موانع از راه‌مردم صدقه است. و ارشادک الرّجل إلی‌الطّریق صدقهٔ؛ و راهنمایی‌کردن رهگذر به راه و عیادتک المریض صدقهٔ؛ و عیادت بیماران و أمرک بالمعروف صدقهٔ؛ و امر به معروف و نهیک عن‌المنکر صدقهٔ؛ و نهی از منکر وردّک السّلام صدقهٔ «۱»؛ و پاسخ سلام. همه اینها صدقه و انفاق در راه خدا است. اسلام و کمک‌های مردمی، ص: ۱۱۱ ۲در حدیث دیگری می‌خوانیم: کان أبو عبداللّه علیه السلام إذا اعتمّ وذهب من اللّیل شطره أخذ جراباً فیه خبز و لحم والدّراهم فحمله علی عنقه ثمّ ذهب به إلی أهل الحاجهٔ من أهل المدینهٔ فقسّمه فیهم و لایعرفونه، فلمّا مضی أبو عبداللّه علیه السلام فقدوا ذلک فعلموا انّه کان أباعبداللّه علیه السلام «۱» امام صادق

علیه السلام هنگامی که نماز عشا را می‌خواند و پاسی از شب می گذشت، کیسه‌ای را که در آن نان و گوشت و پول بود، به دوش می گرفت، سپس به سراغ نیازمندان مدینه می‌رفت و در میان آنها تقسیم می کرد و به صورتی بود که او را نمی‌شناختند، هنگامی که امام علیه السلام رحلت فرمود، و آن کمکها از نیازمندان مدینه قطع شد، دانستند که آن شخص نیکوکار کمک کننده، امام صادق علیه السلام بوده است. ۳در حدیث دیگری از همان بزرگوار می‌خوانیم: لیس المسکین بالطّواف ولا بالّذی تردّه التّمرة والتّمرتان، واللّقمة واللّقمتان، ولکن المسکین المتعفّف الّذی لا یسأل النّاس ولا یفطن له فیتصدّق علیه «۲» مسکین کسی نیست که دوره‌گردی می کند، یا یکی دو خرما یا یکی دو لقمه او را قانع می‌سازد، مسکین واقعی کسی است که بسیار عفیف است و از کسی چیزی تقاضا نمی کند، وکسی نمی‌فهمد که او فقیر است تا به او صدقه دهد (باید چنین کسی را جستجو کرد و به او انفاق نمود).

بخش چهارم موانع قبول انفاق

۱۹ شرط قبول انفاق

اشاره

یأَیُّهَا الَّذِینَ ءَامَنُواْ لَاتُبْطِلُواْ صَدَقَاتِکُم بِالْمَنّ وَالْأَذَی کَالَّذِی یُنْفِقُ مَالَهُ رِئَآءَ النَّاسِ وَلَایُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالیَوْمِ الْأَخِرِ فَمَثَلُهُ کَمَثَلِ صَفْوَانٍ عَلَیْهِ تُرَابٌ فَأَصَابَهُ وَابِلٌ فَتَرَکَهُ صَلْدًا لَّایَقْدِرُونَ عَلَی شَیْءٍ مّمَّا کَسَبُواْ وَاللَّهُ لَایَهْدِی ا لْقَوْمَ ا لْکفِرِینَ* وَمَثَلُ الَّذِینَ یُنْفِقُونَ أَمْوَا لَهُمُ ابْتِغَآءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَتَثْبِیتًا مّنْ أَنْفُسِهِمْ کَمَثَلِ جَنَّةٍ بِرَبْوَةٍ أَصَابَهَا وَابِلٌ فَاتَتْ أُکُلَهَا ضِعْفَیْنِ فَإِن لَّمْ یُصِبْهَا وَابِلٌ فَطَلٌّ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِیرٌ ای کسانی که ایمان آورده‌اید بخششهای خودرا با منّت و آزار باطل نسازید، همانند کسی که مال خودرا برای نشان دادن به مردم و ریاکاری انفاق می کند و ایمان به خدا و روز رستاخیز نمی‌آورد؛ (کار او) همچون قطعه سنگی است که بر آن (قشر نازکی از) خاک باشد و (بذرهایی در آن افشانده شود) و باران درشت به آن برسد (و همه خاکها و بذرها را اسلام و کمک‌های مردمی، ص: ۱۱۶ بشوید) و آن را صاف (و خالی از خاک و بذر) رها کند، (آری) آنها از کاری که انجام داده‌اند چیزی عایدشان نمی‌شود، و خداوند گروه کافران را هدایت نمی کند! و (کار) کسانی که اموال خودرا برای خشنودی خدا و تثبیت (ملکات انسانی) در روح خود انفاق می کنند همچون باغی است (سرسبز) که در نقطه بلندی باشد و بارانهای درشت به آن برسد (و از هوای آزاد و نور آفتاب به‌حدّ کافی بهره بگیرد) و میوه خودرا دوچندان دهد، و اگر باران درشتی بر آن نبارد بارانهای ریز و شبنم بر آن می‌بارند (لذا همیشه شاداب و با طراوت است) و خداوند به آنچه انجام می‌دهید بیناست! «سوره بقره، آیات ۲۶۴ و ۲۶۵» توضیح انگیزه‌ها و نتایج انفاق بسیار مختلف است و چهره‌های آن نیز متفاوت می‌باشد. در دو آیه بالا نخست اشاره به این حقیقت شده است که افراد با ایمان نباید انفاقهای خودرا در راه خدا بر اثر منّت گذاردن و آزار رسانیدن، باطل و بی‌اثر سازند. سپس دو مثال جالب برای انفاقهایی که آمیخته با منّت و آزار و ریاکاری وخودنمایی است، وانفاقهایی که از روح اخلاص و عواطف انسانی سر چشمه گرفته بیان شده است: قطعه سنگ محکمی را در نظر بگیرید که قشر نازکی از خاک روی آن را پوشانده باشد، بذرهای مستعدّی در این خاک افشانده شود، و در معرض اسلام و کمک‌های مردمی، ص: ۱۱۷ هوای آزاد و تابش آفتاب قرار گیرد، و سپس باران پر برکت دانه درشتی بر آن ببارد؛ مسلّم است که این باران کاری جز این نمی کند که آن قشر نازک خاک را همراه بذرها می‌شوید و پراکنده می‌سازد، و سنگ سخت غیر قابل نفوذ که هیچ گیاهی بر آن نمی‌روید با قیافه خشن خود آشکار می گردد؛ این به خاطر آن نیست که تابش آفتاب و هوای آزاد و نزول باران مزبور اثر بدی داشته است، بلکه به سبب این است که محلّ بذرها، محلّ نامناسبی بوده، ظاهری آراسته و درونی خشن و غیرقابل نفوذ داشته است، و تنها قشر نازکی از خاک روی آن را پوشانده بوده در حالی که پرورش گیاه نیاز به این دارد که علاوه بر روی زمین، اعماق آن هم آماده برای پذیرش ریشه‌ها و تغذیه آن باشد. قرآن،

اعمال ریاکارانه و انفاقهای آمیخته با منّت و آزار را که از دلهای قساوتمند سرچشمه می گیرد، تشبیه به این قشر خاك می کند که روی سنگ سختی را پوشانده است، و هیچ گونه بهره‌ای از آن نمی‌توان برد، بلکه زحمات باغبان و برزگر را بر باد می‌دهد. این بود مثالی که در آیه اول برای انفاقهای ریاکارانه و توأم با منّت و آزار ذکر شده است.

یک مثال جالب دیگر

باغ سرسبزی را در نظر بگیرید که بر زمین مرتفع و حاصلخیزی در برابر نسیم آزاد و نور آفتاب قرار گرفته باشد و بارانهای درشت نافع بر آن ببارد، و هنگامی که باران نمی‌بارد لااقل در برابر ریزش شبنم و بارانهای اسلام و کمک‌های مردمی، ص: ۱۱۸ ریز، طراوت و لطافت و خرّمی باغ همچنان حفظ می گردد. در نتیجه، چنین باغی دو برابر بیشتر از باغهای دیگر میوه می‌دهد، زیرا گذشته از این که زمین حاصلخیز است به طوری که حتّی شبنم و بارانهای ریز برای به ثمر رسیدن میوه‌های آن کافی است تا چه رسد به بارانهای درشت، چون در بلندی قرار گرفته از هوای آزاد و نور کافی خورشید بهره فراوانی می گیرد و علاوه بر منظره زیبایی که از دور چشم هر بیننده‌ای را به خود جلب می کند، از خطر سیلاب نیز محفوظ است! کسانی که اموال خود را برای خشنودی خدا و استوار شدن ایمان و یقین در قلب و جان خویش انفاق می کنند، همانند این باغ هستند که محصولی پربرکت و مفید و پرارزش خواهد داشت. در اینجا توجّه به چند نکته لازم است: ۱- از جمله «لَاتُبْطِلُواْ صَدَقَاتِکُم بِالْمَنِّ وَالْأَذَی انفاقهای خودرا با منّت و آزار باطل نکنید» استفاده می‌شود که پاره‌ای از اعمال ممکن است نتایج اعمال نیك را از بین ببرد و این همان مسأله «احباط» است که شرح آن در کتب تفسیر وعقائد آمده است. ۲- تشبیه عمل ریاکارانه به قطعه سنگی که قشر نازکی از خاك روی آن را پوشانیده است بسیار گویا است، زیرا افراد ریاکار، باطن خشن و بی‌ثمر خودرا با آب و رنگ خیرخواهی و نیکوکاری می‌پوشانند، و اعمالی که هیچ گونه ریشه ثابتی در وجود آنها ندارد انجام می‌دهند، اما طوفانهای زندگی بزودی این پرده را کنار می‌زند و باطن آنها را آشکار می‌سازد. اسلام و کمک‌های مردمی، ص: ۱۱۹ ۳- جمله «ابْتِغَآءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَتَثْبِیتًا مِّنْ أَنفُسِهِمْ» انگیزه‌های انفاق صحیح و الهی را بیان می کند و آن دو چیز است: «طلب خشنودی خدا» و «تقویت روح ایمان و ایجاد آرامش در دل و جان». این جمله می گوید انفاق‌کنندگان واقعی کسانی هستند که تنها برای خشنودی خدا و پرورش فضایل انسانی و تثبیت این صفات در درون جان خویش و همچنین پایان دادن به اضطراب و ناراحتیهایی که بر اثر احساس مسؤولیّت در برابر محرومان در وجدان آنها پیدا می‌شود، اقدام به انفاق می کنند. بنابراین «مِن» در آیه به معنی «فی» می‌باشد. ۴- جمله «وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِیرٌ؛ خدا به آنچه انجام می‌دهید بینا است» که در آخر آیه دوم ذکر شده، هشداری است به همه کسانی که می‌خواهند عمل نیك انجام دهند که مراقب باشند کوچکترین آلودگی نیّت یا طرز کار ممکن است نتیجه اعمال آنها را بر باد دهد، زیرا خداوند کاملًا مراقب اعمال آنهاست! اسلام و کمک‌های مردمی، ص: ۱۲۱

۲۰ موانع قبول!

قَوْلٌ مَّعْرُوفٌ وَمَغْفِرَةٌ خَیْرٌ مِّنْ صَدَقَةٍ یَتْبَعُهَآ أَذًی وَاللَّهُ غَنِیٌّ حَلِیمٌ گفتار پسندیده (در برابر نیازمندان) و عفو (و گذشت از خشونتهای آنها) از بخششی که آزاری به دنبال آن باشد بهتر است و خداوند بی‌نیاز و بردبار است. «سوره بقره، آیه ۲۶۳» توضیح این آیه همانند آیات گذشته، به انفاق‌کنندگان هشدار می‌دهد و می گوید: عمل آنها را که در برابر ارباب حاجت گفتار نیکو و زبان خوش دارند، و در برابر اصرار آنها حتّی اگر توأم با خشونت باشد، عفو و گذشت می کنند، بهتر است از بخشش کسانی که به دنبال انفاق، نیازمندان را آزار می‌دهند. این آیه، منطق اسلام را در مورد ارزشهای اجتماعی مردم و آبرو و حیثیت آنها روشن می‌سازد، و عمل آنهایی را که در حفظ این سرمایه‌های اسلام و کمک‌های مردمی، ص: ۱۲۲ انسانی می کوشند و ارباب حاجت را با گفتار

نیکو و احیاناً راهنمایی‌های لازم بهره‌مند کرده، هرگز اسرار آنها را فاش نمی‌سازند، از بخشش افراد خودخواه و کوته‌نظری که در برابر کمک مختصری هزار گونه زخم زبان به افراد آبرومند می‌زنند و شخصیّت آنها را در هم می‌شکنند، برتر و بالاتر می‌شمرد. در حقیقت این گونه اشخاص همان‌گونه که اشاره کردیم بیش از آن اندازه که نفع می‌رسانند، ضرر می‌زنند، و اگر سرمایه‌ای می‌دهند سرمایه‌هایی را نیز می‌گیرند. از آنچه در بالا- گفتیم روشن می‌شود که «قول معروف» معنی وسیعی دارد، و هرگونه سخن نیک، دلجویی و راهنمایی را شامل می‌شود. «مغفرت» به معنی «عفو و گذشت» در برابر خشونت ارباب حاجت است؛ آنها که بر اثر هجوم گرفتاریها پیمانه صبرشان لبریز شده، گاهی بدون هیچ‌گونه تمایل درونی سخنان خشونت‌آمیزی بر زبان جاری می‌سازند؛ این افراد در واقع از اجتماع ظالمی که حقّ آنها را نداده، به این وسیله می‌خواهند انتقام بگیرند، و کمترین جبرانی که اجتماع و افراد متمکّن در برابر محرومیّت آنان می‌توانند بکنند این است که سخنان آنها را که جرقّه‌های آتش درون آنان است با تحمّل بشنوند و با ملایمت خاموش سازند. بدیهی است که تحمّل خشونت آنها و گذشت از برخوردهای زننده آنان از عقده‌هایشان می‌کاهد؛ از این رو اهمّیّت این دستور اسلامی روشنتر می‌گردد، و گاه ارزش آن از ارزش انفاق به آنها بیشتر است. بعضی کلمه «مغفرت» را در این‌جا به معنی ریشه اصلی آن که پوشانیدن اسلام و کمک‌های مردمی، ص: ۱۲۳ و مستور ساختن است، گرفته‌اند، و این کلمه را اشاره به پرده‌پوشی بر اسرار حاجتمندان آبرومند دانسته‌اند، البتّه این تفسیر با آنچه در بالا گفتیم منافاتی ندارد، زیرا اگر مغفرت به معنی وسیع تفسیر شود، هم عفو و گذشت را در برخواهد داشت، هم «پوشانیدن و مستور داشتن اسرار نیازمندان» را. در تفسیر «نور الثّقلین» از پیغمبر گرامی اسلام چنین نقل شده: «إذا سئل السّائل فلا تقطعوا علیه مسألته حتّی یفرغ منها ثُمَّ ردّوا علیه بوقارٍ ولینٍ امّا ببذل یسیر أو ردّ جمیل فإنّه قد یأتکم من لّیس بأنس ولا جان ینظرونکم کیف صنیعکم فیما خوّلکم اللّه تعالی» در این حدیث پیامبر صلی الله علیه و آله گوشه‌ای از آداب انفاق را روشن ساخته می‌فرماید: «هنگامی که حاجتمندی از شما چیزی بخواهد گفتار او را قطع نکنید تا تمام مقصود خویش را شرح دهد، سپس با وقار و ادب و ملایمت به او پاسخ بگویید، یا چیزی که در قدرت دارید در اختیار او بگذارید، و یا به طرز شایسته‌ای او را باز گردانید، زیرا ممکن است سؤال کننده فرشته‌ای باشد که مأمور آزمایش شما است، تا ببیند در برابر نعمتهایی که خداوند به شما ارزانی داشته چگونه عمل می‌کنید! «وَاللَّهُ غَنِیٌّ حَلِیمٌ» جمله‌های کوتاهی که در آخر آیات قرآن آمده است و صفاتی از صفات خداوند را بیان می‌کند، با مضمون همان آیه حتماً ارتباط دارد، و با توجّه به این نکته منظور از جمله «وَاللَّهُ غَنِیٌّ حَلِیمٌ؛ خدا بی‌نیاز و بردبار است.» گویا این است که چون بشر طبعاً طغیانگر است با رسیدن به مقام و ثروت خود را اسلام و کمک‌های مردمی، ص: ۱۲۴ بی‌نیاز گمان می‌کند و این حالت گاهی موجب پرخاشگری و بدزبانی او نسبت به محرومان و مستمندان می‌شود؛ لذا، می‌فرماید بی‌نیاز (فقط) خداست. در حقیقت اوست که از همه چیز بی‌نیاز است و بی‌نیازی بشر در واقع سرابی بیش نیست و نباید موجب غرور و طغیان و بی‌اعتنایی او نسبت به فقرا گردد؛ بعلاوه، خداوند در برابر ناسپاسی مردم بردبار است، افراد با ایمان نیز باید چنین باشند! ونیز ممکن است جمله مزبور اشاره به این باشد که خداوند از انفاقهای شما بی‌نیاز است و آنچه انجام می‌دهید، به سود خود شما است؛ بنابراین، منّتی بر کسی ندارید بعلاوه، او در برابر خشونتهای شما بردبار است و در عقوبت عجله نمی‌کند، تا بیدار شوید و خود را اصلاح کنید. (دقّت کنید) اسلام و کمک‌های مردمی، ص: ۱۲۵

۲۱ باز هم موانع قبول انفاق

اشاره

الَّذِینَ یُنْفِقُونَ أَمْوَا لَهُمْ فِی سَبِیلِ اللَّهِ ثُمَّ لَایُتْبِعُونَ مَآ أَنْفَقُواْ مَنًّا وَلَا أَذًی لَّهُمْ أَجْرُهُمْ عِنـدَ رَبِّهِمْ وَلَاخَوْفٌ عَلَیْهِمْ وَلَاهُمْ یَحْزَنُونَ کسانی که اموال خودرا در راه خدا انفاق می‌کنند و سپس به دنبال انفاقی که کرده‌اند منّت نمی‌گذارند و آزاری نمی‌رسانند، پاداش آنها

نزد پروردگارشان (محفوظ) است، و نه ترسی دارند و نه غمگین می‌شوند. «سوره بقره، آیه ۲۶۲» توضیح چه انفاقی با ارزش است و مورد قبول؟ پاسخ این سؤال در آیه فوق آمده است، می‌فرماید: انفاق در راه خداوند در صورتی در پیشگاه پروردگار مورد قبول واقع می‌شود که به دنبال آن منّت و چیزی که موجب آزار و رنجش نیازمندان می‌شود نباشد. اسلام و کمک‌های مردمی، ص: ۱۲۶ بنابراین، کسانی که در راه خداوند بذل مال می‌کنند ولی به دنبال آن منّت می‌گذارند، ریاکاری که موجب آزار و رنجش نیازمندان است، انجام می‌دهند و با این عمل ناپسند اجر و پاداش خود را از بین می‌برند. آنچه در این آیه بیشتر جلب توجّه می‌کند این است که قرآن در واقع سرمایه زندگی انسان را منحصر به سرمایه‌های مادّی نمی‌داند، بلکه سرمایه‌های معنوی و اجتماعی را نیز به حساب آورده است. کسی که چیزی به دیگری می‌دهد و منّتی بر او می‌گذارد و یا با آزار خود او را شکسته دل می‌سازد، در حقیقت چیزی به او نداده است، زیرا اگر سرمایه‌ای به او داده، سرمایه‌ای هم از او گرفته است؛ و چه بسا آن تحقیرها و شکست‌ها و ضررهای روحی به مراتب بیش از مالی باشد که به او بخشیده است. بنابراین، اگر چنین اشخاصی اجر و پاداشی نداشته باشند، کاملًا طبیعی و عادلانه خواهد بود، بلکه می‌توان گفت چنین افرادی در بسیاری از موارد بدهکار هم هستند نه طلبکار! زیرا آبروی انسان به مراتب برتر و بالاتر از ثروت و مال است. نکته دیگر این‌که: منّت گذاردن و اذیت کردن در آیه با کلمه «ثمَّ» که معمولًا برای فاصله بین دو حادثه (و به اصطلاح برای تراخی) است، ذکر شده؛ بنابراین، معنی آیه چنین می‌شود: کسانی که انفاق می‌کنند و بعداً منّتی نمی‌گذارند و آزاری نمی‌رسانند، پاداش آنها نزد پروردگار محفوظ است. واین خود می‌رساند که منظور قرآن تنها این نیست که پرداخت انفاق مؤدّبانه و محترمانه و خالی از منّت باشد؛ بلکه در ماهها و سالهای بعد نیز نباید با یادآوری آن منّتی بر گیرنده گذارده شود، و این نهایت دقّت اسلام را اسلام و کمک‌های مردمی، ص: ۱۲۷ در خدمات خالص انسان می‌رساند. باید توجّه داشت که منّت و آزاری که موجب عدم قبول انفاق می‌شود اختصاص به مستمندان ندارد بلکه در کارهای عمومی و اجتماعی از قبیل جهاد در راه خدا و کارهای عام‌المنفعه، ساختن مدارس و مساجد و درمانگاهها و ... که احتیاج به بذل مال دارد، رعایت این موضوع نیز لازم است. جمله «لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِندَ رَبّهِمْ؛ پاداش آنها نزد پروردگارشان است.» به انفاق‌کنندگان اطمینان می‌دهد که پاداش آنها نزد پروردگارشان محفوظ است، تا با اطمینان خاطر در این راه گام بردارند، زیرا چیزی که در نزد خدا است نه خطر نابودی دارد و نه نقصان، بلکه تعبیر «ربّهم» (پروردگارشان) گویا اشاره به این است که خداوند اعمال آنها را پرورش داده و پیوسته بر آن می‌افزاید همان‌گونه که از آیات دیگر استفاده می‌شود. جمله «وَلَاخَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَاهُمْ يَحْزَنُونَ»- همان‌طور که در سابق نیز اشاره شد با توجّه به این که «خوف» نسبت به امور آینده است و «حزن» و اندوه نسبت به گذشته است، می‌گوید: انفاق‌کنندگان با توجّه به محفوظ بودن پاداششان در پیشگاه خدا، نه از آینده و رستاخیز ترسی دارند، و نه از آنچه در راه خدا بخشیده‌اند، اندوهی به خود راه می‌دهند و فکر فقر و تهیدستی می‌کنند.

شرایط قبول انفاق در روایات اسلامی

در روایات اسلامی دستورات موکّدی در باره پرهیز از آفات انفاق در راه خدا آمده است؛ به عنوان نمونه: اسلام و کمک‌های مردمی، ص: ۱۲۸ ۱در حدیثی از امام امیرالمؤمنین علیه السلام می‌خوانیم که فرمود: آفةُ العطاء اْلْمَطَل «۱» آفت بخشش، تأخیر و معطّل ساختن است. ۲امام صادق علیه السلام می‌فرماید: إذا کانت لک ید عند انسان فلا تفسدها بکثرة المنّ والذّکر لها ولکن اتبعها بأفضل منها فإنّ ذلک اجمل بک فی اخلاقک «۲» هرگاه نعمتی به کسی بخشیدی، آن را با فزونی منّت و یادآوری تباه مکن، بلکه آن را با نعمت برتری تکمیل کن که این کار در زیباسازی اخلاق تو مؤثّر است. ۳امیرمؤمنان علیه السلام در عهدنامه مالک اشتر به او چنین توصیه فرمود: إیّاک والمنّ علی رعیّتک باحسانک أو التّزیّد فیما کان من فعلک أو أن تعدّهم فتتبع موعدک بخلفک فإن المنّ یبطل الإحسان والتّزیّد یذهب بنور الحقّ «۳» از منّت بر رعیّت به هنگام نیکی کردن، بپرهیز، و از آنها زیاده خواهی در برابر

آنچه انجام داده‌ای، مکن، و هرگاه وعده‌ای به آنها می‌دهی، تخلّف منما، چرا که منّت، احسان را باطل می‌کند و زیاده‌خواهی، نور حق را از میان می‌برد. اسلام و کمک‌های مردمی، ص: ۱۲۹

بخش پنجم انفاقهای ریایی

۲۲ انفاق ریاکاران!

اشاره

وَالَّذِینَ یُنْفِقُونَ أَمْوَا لَهُمْ رِئَآءَ النَّاسِ وَلَایُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَابِالْیَوْمِ الْأَخِرِ وَمَن یَکُنِ الشَّیْطَانُ لَهُ قَرِینًا فَسَآءَ قَرِینًا* وَمَاذَا عَلَیْهِمْ لَوْ ءَامَنُواْ بِاللَّهِ وَا لْیَوْمِ الْأَخِرِ وَأَنْفَقُواْ مِمَّا رَزَقَهُمُ اللَّهُ وَکَانَ اللَّهُ بِهِمْ عَلِیمًا آنها کسانی هستند که اموال خودرا برای نشان دادن به مردم و ریاکاری انفاق می‌کنند و ایمان به خداوند و روز بازپسین ندارند (چرا که شیطان، رفیق و همنشین آنها است) و کسی که شیطان قرین او است، بد قرینی انتخاب کرده است! چه می‌شد اگر آنها ایمان به خدا و روز بازپسین می‌آوردند و از آنچه خدا به آنها روزی داده، (در راه او خالصانه) انفاق می‌کردند، و خداوند نسبت به آنها آگاه است. «سوره نساء، آیات ۳۸ و ۳۹» اسلام و کمک‌های مردمی، ص: ۱۳۲

توضیح

انفاقهای الهی و انفاقهای ریایی

این آیه اشاره به افراد متکبّر و خودخواه و بخیل است که در آیه قبل به آنها اشاره شده، می‌فرماید: آنها کسانی هستند که نه تنها خودشان از نیکی کردن به مردم، بخل می‌ورزند، بلکه دیگران را نیز به آن دعوت می‌کنند (الّذین یبخلون ویأمرون الناس بالبخل). علاوه بر این، سعی دارند آنچه را که خدا به آنها مرحمت کرده، مخفی کنند، مبادا مردم از آنها توقّعی پیدا کنند (ویکتمون ما آتاهم اللّه من فضله). سپس، سرانجام و عاقبت کار آنها را چنین بیان می‌کند: ما برای کافران عذاب خوارکننده‌ای مهیّا ساخته‌ایم (واعتدنا للکافرین عذاباً مهیناً). شاید سرّ تعبیر به کفر این باشد که «بخل» غالباً از کفر سرچشمه می‌گیرد، زیرا افراد بخیل، در واقع ایمان کامل به مواهب بی‌پایان پروردگار و وعده‌های او نسبت به نیکوکاران ندارند؛ فکر می‌کنند کمک به دیگران آنها را بیچاره خواهد کرد. و این که می‌گوید: عذاب آنها خوارکننده است برای این است که جزای «تکبّر» و خوارکردن دیگران همین است. ضمناً باید توجّه داشت که بخل منحصر به امور مالی نیست، بلکه سختگیری در هر نوع موهبت الهی را شامل می‌شود؛ بسیارند کسانی که در امور مالی بخیل نیستند ولی در علم و دانش و مسائل دیگری از این قبیل بخل می‌ورزند! در آیه مورد بحث به یکی دیگر از صفات متکبّران بخیل اشاره کرده، اسلام و کمک‌های مردمی، ص: ۱۳۳ می‌فرماید: آنها کسانی هستند که اگر انفاقی می‌کنند به خاطر تظاهر و نشان دادن به مردم و کسب شهرت و مقام است، و هدف آنها خدمت به خلق، و جلب رضای خالق نیست؛ به همین دلیل، در موارد انفاق، پایبند استحقاق طرف نیستند، بلکه دائماً در این فکرند که چگونه انفاق کنند تا بیشتر بتوانند از آن بهره‌برداری به سود خود نموده، و موقعیّت خودرا تثبیت کنند، زیرا آنها ایمان به خدا و روز رستاخیز ندارند؛ به همین جهت، در انفاقهایشان انگیزه معنوی نیست. «وَمَن یَکُنِ الشَّیْطَانُ لَهُ قَرِینًا فَسَآءَ قَرِینًا»- آنها شیطان را دوست و رفیق خود انتخاب کردند و کسی که چنین باشد، بسیار بد رفیقی برای خود انتخاب کرده و راهی بهتر از این نخواهد پیمود، چون منطق و برنامه آنها همان منطق و برنامه رفیقشان شیطان است؛ او است که به آنها می‌گوید انفاق خالصانه موجب فقر می‌شود (الشّیطان یعدکم الفقر «۱») و بنابراین، یا انفاق نمی‌کنند و بخل می‌ورزند (چنانکه در آیه قبل اشاره شد) و یا اگر انفاق کنند در مواردی است که از آن بهره‌برداری شخصی خواهند کرد (چنانکه در این آیه اشاره شده است). از این آیه ضمناً استفاده می‌شود که یک همنشین بد تا چه

اندازه می‌تواند در سرنوشت انسان مؤثّر باشد، تا آنجا که او را به آخرین درجه سقوط بکشاند، و نیز از آن استفاده می‌شود که رابطه «متکبران» با شیطان (و اعمال شیطانی) یک رابطه مستمر است نه موقت و گاهگاهی، چون می‌فرماید شیطان را قرین و رفیق و همنشین خود انتخاب کرده‌اند. اسلام و کمک‌های مردمی، ص: ۱۳۴ سپس می‌افزاید: «وَمَاذَا عَلَيْهِمْ لَوْ ءَامَنُواْ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْأَخِرِ وَأَنْفَقُواْ مِمَّا رَزَقَهُمُ اللَّهُ»- چه می‌شد اگر آنها از این بیراهه‌ها باز می‌گشتند و ایمان به خدا و روز رستاخیز پیدا می‌کردند، و از مواهبی که خداوند در اختیار آنها گذاشته با خلوص نیّت و فکر پاک به بندگان خدا انفاق می‌کردند، و از این راه برای خود کسب سعادت و خوشبختی دنیا و آخرت می‌نمودند. در پایان آیه می‌فرماید: «خداوند از حال آنها آگاه است (وَكَانَ اللَّهُ بِهِمْ عَلِيمًا).» آری، در هر حال خداوند از نیّات و اعمال آنها با خبر است، و بر طبق آن به آنها جزا و کیفر می‌دهد. قابل توجّه این‌که، در آیه سابق که سخن از انفاقهای ریاکارانه بود، انفاق به «اموال» نسبت داده شده است، و در این آیه به «ممّا رزقهم اللَّه» نسبت می‌دهد؛ این تفاوت تعبیر ممکن است اشاره به سه نکته باشد: نخست این که، در انفاقهای ریایی توجّه به حلال و حرام بودن مال نمی‌شود، در حالی که در انفاقهای الهی حلال بودن و مصداق (ما رزقهم اللَّه) بودن، مورد توجه است. دیگر این که، در انفاقهای ریایی افراد انفاق‌کننده چون مال را متعلّق به خودشان می‌دانند، از منّت گذاردن ابا ندارند، در حالی که در انفاقهای الهی چون توجّه به این دارند که اموال را خدا به آنها داده است و اگر گوشه‌ای از آن را در راه او خرج می‌کنند، جای منّت نیست، از هرگونه منّت خودداری می‌کنند. از سوی سوم، انفاقهای ریایی غالباً منحصر به مال است، زیرا چنین اسلام و کمک‌های مردمی، ص: ۱۳۵ اشخاصی از سرمایه‌های معنوی بی‌بهره‌اند تا از آنها انفاق کنند، امّا انفاقهای الهی دامنه وسیعی دارد و تمام مواهب مادّی و معنوی را اعم از مال و علم و موقعیّت اجتماعی و آنچه مصداق «ممّا رزقهم اللَّه» است، شامل می‌شود. اسلام و کمک‌های مردمی، ص: ۱۳۷

۲۳ باز هم انفاقهای ریایی!

اشاره

أَيَوَدُّ أَحَدُكُمْ أَن تَكُونَ لَهُ جَنَّةٌ مِّن نَّخِيلٍ وَأَعْنَابٍ تَجْرِى مِن تَحْتِهَا الْأَنْهٰرُ لَهُ فِيهَا مِن كُلِّ الثَّمَرَاتِ وَأَصَابَهُ الْكِبَرُ وَلَهُ ذُرِّيَّةٌ ضُعَفَآءُ فَأَصَابَهَآ إِعْصَارٌ فِيهِ نَارٌ فَاحْتَرَقَتْ كَذٰلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمُ الْأَيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَتَفَكَّرُونَ آیا هیچ‌کس از شما دوست می‌دارد که باغی از درختان خرما و انگور داشته باشد که از زیر درختان آن نهرها در جریان باشند و برای او در آن (باغ) از هرگونه میوه‌ای وجود داشته باشد در حالی که به سن پیری رسیده و فرزندانی (کوچک و) ضعیف دارد، (در این هنگام) گرد بادی (کوبنده) که در آن آتش (سوزانی) است به آن برخورد کند و آن باغ شعله‌ور گردد و بسوزد (این‌گونه است حال کسانی که انفاقهای خودرا با ریا و منّت و آزار باطل می‌کنند)؛ این چنین خداوند آیات خودرا آشکار می‌سازد، شاید بیندیشید (و با اندیشه راه حق را بیابید). «سوره بقره، آیه ۲۶۶» اسلام و کمک‌های مردمی، ص: ۱۳۸ توضیح

یک مثال زیبا

«أَيَوَدُّ أَحَدُكُمْ أَن تَكُونَ لَهُ جَنَّةٌ ...»- قرآن در این آیه برای روشن کردن شدّت احتیاج انسان به اعمال صالح در روز رستاخیز و این که چگونه ریاکاری و منّت و آزار، انفاق و اعمال صالح انسان را بر باد می‌دهد، مثال جالبی ذکر می‌کند؛ این مثال، منظره کسی را مجسّم می‌کند که باغی سرسبز و خرّم با درختان گوناگون از قبیل درخت خرما و انگور پرورش داده که همواره آب از پای درختان آن می‌گذرد و نیاز به آبیاری ندارد، در حالی که پیر و سالخورده شده و فرزندان ناتوان و ضعیفی اطراف او را گرفته‌اند، و تنها راه تأمین زندگی و معیشت آنان همین باغ است، و اگر این باغ از بین برود نه او، و نه فرزندان او، قدرت و توانایی بر احیاء آن

ندارنـد؛ ناگهـان گرد بـاد سـوزان و آتشـباری بر آن می‌وزد و آن را کاملًا می‌سوزانـد و از بین می‌برد؛ در این هنگـام، این شـخص سالخورده که قوای جوانی را از دست داده و نمی‌تواند از راه دیگری تأمین زندگی کند، و فرزندان او هم ضـعیف و ناتوان هسـتند، چه حالی پیـدا می‌کنـد، و چه حسـرت و انـدوه مرگباری به او دست می‌دهد! حال کسانی که عمل نیکی انجام می‌دهند، و سـپس با ریاکـاری یـا منّت و اذّیت و آزار، آن را از بین می‌برنـد هماننـد چنین کسـی است که زحمـات فراوانی کشـیده و به هنگامی که نیاز شدیـدی به بهره‌برداری از آن دارد، نتیجه کار او بکلّی از میان می‌رود و جز حسـرت و انـدوه چیزی برای او باقی نمی‌ماند. اسـلام و کمک‌های مردمی، ص: ۱۳۹ «کَذلِکَ یُبَیِّنُ اللَّهُ لَکُمُ الْأَیَاتِ لَعَلَّکُمْ تَتَفَکَّرُونَ»- از آنجا که سرچشمه همه بدبختیها مخصوصاً کارهای ابلهانه‌ای ماننـد منّت گذاردن که سودش هیچ و زیانش بسیار و سریع است، از به کار نینداختن اندیشه سرچشـمه می‌گیرد، خداوند در پایـان آیـه مردم را بـه تفکّر و انـدیشه دعـوت کرده، می‌فرمایـد: ایـن چنین خداونـد آیـات را برای شـما توضیـح می‌دهـد، شـاید بیندیشید.

دو نکته

۱- از جمله «واصـابه الکبر وله ذریّهٔ ضـعفاء؛ (صـاحب آن بـاغ) پیر و سـالخورده است و فرزنـدانی کوچـک و ناتوان دارد» اسـتفاده می‌شـود که انفـاق و بخشـش در راه خـدا و کمـک به نیازمنـدان همچون بـاغ خرّمی است که هم خود انسـان از ثمرات آن بهره‌مند می‌شود و هم فرزندان او، در حالی که ریاکاری و منّت و آزار، هم سـبب محرومیّت خود او می‌شود، و هم نسلهای آینده که باید از ثمرات و برکات اعمال نیک او بهره‌منـد گردنـد محروم خواهنـد شـد. این خود دلیل بر آن است که نسـلهای آینـده در نتایج اعمال نیک نسـلهای گذشـته سـهیم هسـتند؛ از نظر اجتماعی نیز چنین است زیرا محبوبیّت و حسن شـهرت و اعتمادی که پـدران بر اثر کار نیک در افکار عمومی پیـدا می‌کنند، سـرمایه بزرگی برای فرزندان آنها خواهد بود. ۲- جمله «اعصـار فیه نار» یعنی گردبادی که در آن آتشـی باشد، ممکن است اشاره به گردبادهای ناشـی از بادهای سموم و سوزان و خشک‌کننده اسلام و کمک‌های مردمی، ص: ۱۴۰ باشـد، و یا گردبادی که از روی خرمن آتشـی بگـذرد، و طبق معمول که گرد باد هر چه را بر سـر راه خود بیابـد با خود همراه می‌برد، آن را از زمین برداشـته و به نقطه دیگری بپاشـد؛ و ممکن است اشاره به گردبادی باشـد که به همراه صاعقه است که هرگاه به نقطه‌ای اصـابت کنـد، همه چیز را تبـدیل به خـاکستر می‌کنـد؛ و در هر حـال، اشـاره به نابودی سـریع و کامل است (احتمال سوم نزدیکتر به نظر می‌رسد). انفاق ریایی در روایات اسـلامی خلوص نیّت شرط قبولی همه طاعات و عبادات است، بخصوص کمکهای مردمی و کارهـای خیر، و این مسأله بازتاب وسـیعی در روایات معصومین علیهم السـلام دارد؛ به عنوان نمونه: ۱رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرماید: سـبعهٔ فی ظلّ عرش اللَّه عزّوجلّ یوم لا ظلّ إلّاظلّه: رجل تصدّق بیمینه فاخفاه عن شـماله «۱» هفت گروه هستند که در سایه عرش خدا- در آن روز که سایه‌ای جز سایه (لطف) او نیست- قرار دارند؛ (از جمله) کسـی که صدقه‌ای با دست راست خود بدهـد و از دست چپ مخفی کند ... ۲علی علیه السـلام می‌فرماید: افضل ما توسّل به المتوسّـلون، الإیمان باللَّه ... وصدقهُ السّرّ، اسـلام و کمک‌هـای مردمی، ص: ۱۴۱ فإنّها تـذهب الخطیئـهٔ وتطفی غضب الرّب «۱» برترین چیزی که توسّل‌جویـان به آن متوسّـل می‌شونـد، ایمان به خـدا ... و صـدقه پنهانی است که گناه را پاک می‌کنـد، و آتش خشم خـدا را خاموش. ۳امام صادق علیه السلام می‌فرماید: لا تتصدّق علی أعین النّاس لیزکّوک فإنّک إن فعلت ذلک فقد استوفیت أجرک ولکن إذا أعطیت بیمینک فلا تطّلع علیها شمالک فإن الّذی تتصدّق له سرّاً یجزیک علانیهٔ «۲» در برابر دیدگان مردم و برای این که تو را آدم پاکی بشمرند، انفاق مکن، چرا که اگر این کار را کردی، پاداش خودرا (که همان ثنای مردم است) گرفته‌ای! ولی هرگاه صـدقه‌ای با دست راست دادی چنان کن که دست چپ تو با خبر نشود! زیرا که آن کس که برای او پنهانی صدقه می‌دهی، آشکارا به تو جزا خواهد داد!

بخش ششم ده شرط لازم برای انفاق ارزشمند

۲۴ ده شرط لازم برای انفاق ارزشمند

سابقاً خوانـدیم که قرآن مجیـد تعبیر لطیف و بزرگوارانه‌ای در مورد انفاق در راه خـدا دارد و از آن به عنوان وام‌دادن به خـدا تعبیر می کنـد؛ وامی که سود کلانی از سوی خـدا به آن پرداخته می‌شود. جالب این است که از آن تعبیر به «قرض الحسـنه» می کنـد؛ این تعـبیر، اشـاره‌ای به این حقیقت دارد که وام دادن انواع و اقسـامی دارد که بعضـی را «وام نیکو» و بعضـی را وام کم ارزش و یـا حتّی بی‌ارزش می‌توان شـمرد! قرآن مجید شرایط وام نیکو را در برابر خداوند، یا به تعبیر دیگر، «انفاق ارزشمند» را در آیات مختلف بیان کرده است، و بعضـی از مفسّران از جمع‌آوری آن ده شرط به شرح زیر استفاده کرده‌اند. ۱انفاق از بهترین قسمت مال انتخاب شود، نه از امـوال کم ارزش: يأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُواْ أَنْفِقُواْ مِنْ طَيِّبَاتِ مَاكَسَبْتُمْ وَمِمَّآ أَخْرَجْنَا لَكُم مِّنَ الْأَرْضِ وَلَاتَيَمَّمُوا الْخَبِيثَ مِنْهُ تُنْفِقُونَ وَلَسْتُمْ اسلام و کمک‌های مردمی، ص: ۱۴۶ بِاخِذِيهِ إِلَّا أَن تُغْمِضُواْ فِيهِ وَاعْلَمُواْ أَنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ حَمِيدٌ «۱» ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از اموال پاکیزه‌ای که به دست آورده‌اید، یا از زمین برای شـما خارج ساخته‌ایم، انفاق کنید؛ و به سراغ قسمتهای ناپاک (برای انفاق) نروید، در حالی که خودتان حاضر نیستید آنها را بپذیرید، مگر از روی اغماض، و بدانید خداوند بی‌نیاز و شایسته ستایش است. ۲از اموالی که مورد نیاز مردم است، باشـد، همان‌گونه که می‌فرماید: وَيُؤْثِرُونَ عَلَى أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ «۲» آنها دیگران را بر خود مقدّم می‌دارند، هر چند خود شدیداً نیازمند باشند. ۳به کسانی انفاق کند که سخت به آن نیازمندند و اولویّتها را در نظر گیرد: لِلْفُقَرَآءِ الَّذِينَ أُحْصِرُواْ فِى سَبِيلِ اللَّهِ «۳» (انفاق شـما مخصوصاً) برای نیازمنـدانی باشـد که در راه خـدا در محاصـره قرار گرفته‌اند. ۴انفاق اگر مکتوم باشد، بهتر است: وإِن تُخْفُوهَا وَتُؤْتُوهَا الْفُقَرَاءَ فَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ «۴» هر گاه آنها را مخفی ساخته و به نیازمندان بدهید، برای شـما بهـتر است. اسـلام و کمک‌هـای مردمی، ص: ۱۴۷ ۵هرگز منّت و آزاری بـا آن همراه نباشـد: يَأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُواْ لَاتُبْطِلُواْ صَدَقَاتِكُم بِالْمَنِّ وَالْأَذَى «۱» ای کسانی که ایمان آورده‌ایـد، انفاقهای خود را با منّت و آزار باطل نکنید! ۶انفاق باید توأم با اخلاص و پـاکی نیّت باشـد: يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِاللَّهِ «۲» (کسـانی که) اموالشـان را برای جلب خشـنودی خداونـد انفاق می کننـد. ۷آنچه را انفـاق می کنـد، کوچک و کم اهمّیّت بشـمارد، هر چنـد ظاهراً بزرگ باشـد: وَلَا تَمْنُن تَسْتَكْثِرُ «۳» (به هنگـام انفاق) منّت مگذار و آن را بزرگ مشـمر! ۸از اموالی باشـد که به آن دل بسـته است و مورد علاقه او است: لَن تَنَالُواْ الْبِرَّ حَتَّى تُنفِقُواْ مِمَّا تُحِبُّونَ «۴» هرگز به حقیقت نیکوکاری نمی‌رسید مگر این‌که از آنچه دوست دارید، انفاق کنید. ۹هرگز خود را مالک حقیقی تصوّر نکند، بلکه خود را واسـطه‌ای میان خالق و خلق بدانـد: اسـلام و کمک‌های مردمی، ص: ۱۴۸ وانفقوا ممّا جعلکم مسـتخلفین فیه «۱» انفاق کنیـد از آنچه خداونـد شـما را نماینـده خـود در آن قرار داده است. ۱۰ و قبـل از هر چیز بایـد انفـاق از اموال حلاـل باشـد، چرا که خداوند فقط آن را می‌پذیرد: إنّما يتقبّل اللّه من المتّقين «۲» خداوند تنها از پرهیزگاران قبول می کند. آنچه گفته شد در واقع قسمت مهمّی از اوصـاف و شـرایط لاـزم انفـاق مقبول است، ولی منحصـر به اینهـا نیست، و بـا دقّت و تأمّل در آیات و روایات اسـلامی به شرایط دیگری نیز می‌توان دست یافت. ضمناً آنچه گفته شد، بعضی از شرایط «واجب» است (مانند عدم منّت و آزار و ریاکاری)، و بعضی، از شرایط کمال است (مانند ایثار به نفس در موقع حاجت خویشتن)، که عدم آن، ارزش انفاق را از میان نمی‌برد هر چند در سطح اعلا قرار نگیرد.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم جاهِدُوا بِأَمْوالِكُمْ وَ أَنْفُسِكُمْ فى سَبيلِ اللَّهِ ذلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱) با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شـما بهتر است اگر بدانید حضـرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که

امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹ بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند. مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است. اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید. از جمله فعالیتهای گسترده مرکز : الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و... د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴) ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و... ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ... ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶ وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱) نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله. شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱-۰۶۰۹-۵۳به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید ارزش کار فکری و عقیدتی الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -:

هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید». التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟». [سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد». مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».

